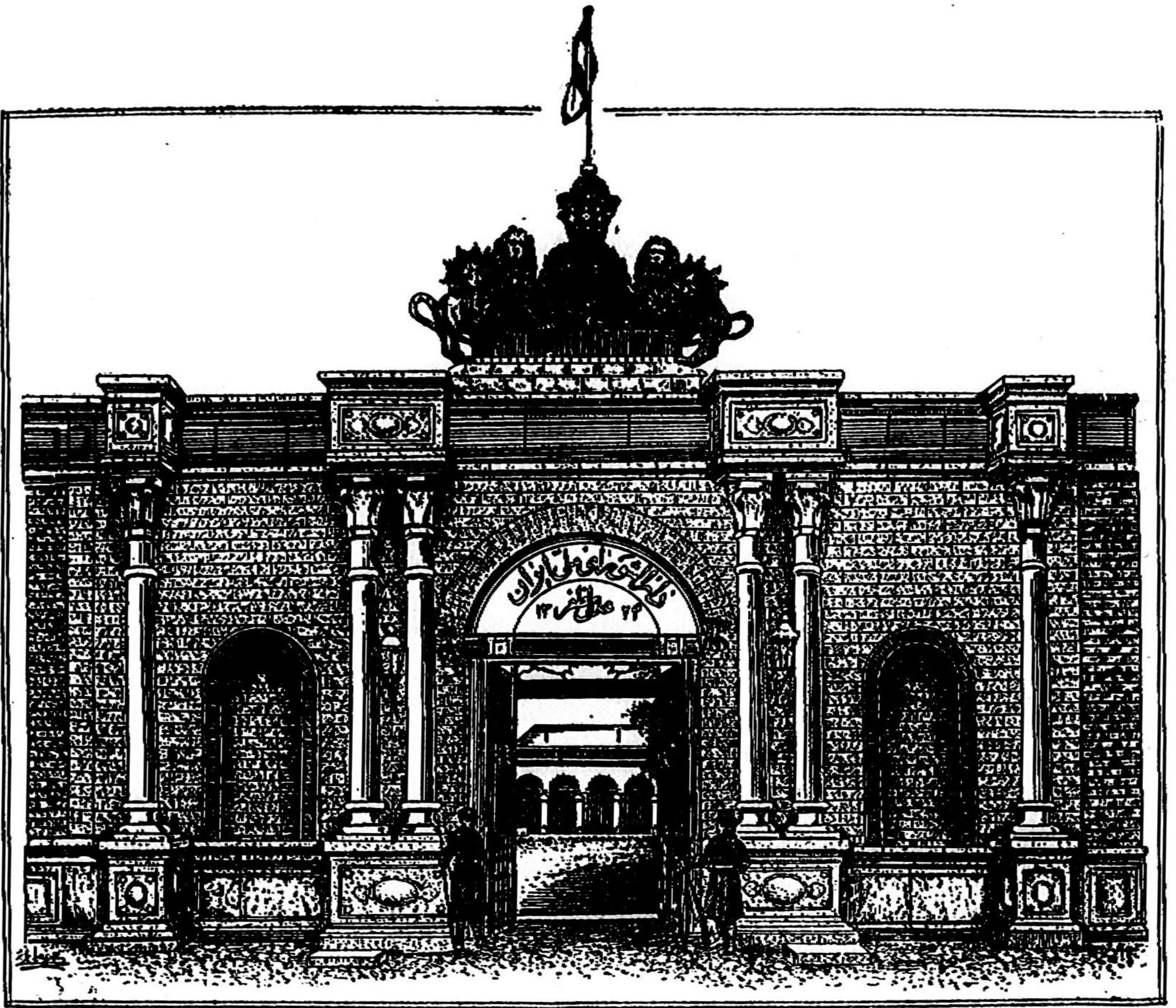


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۱۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۸۰</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۷ ذیحجه ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلبه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور نسبت به پروگرام کابینه آقای هدایت و اخذ رأی نسبت به پروگرام مزبور	۱۶۰۳	۱۶۲۹
۲	معرفی آقای رهنا بسمت معاونت ریاست وزراء و آقای بیات بسمت معاونت وزارت فواید عامه از طرف آقای رئیس الوزراء	۱۶۲۹	۱۶۲۹
۳	معرفی آقای کاظمی بسمت معاونت وزارت عدلیه از طرف آقای وزیر عدلیه	۱۶۲۹	۱۶۲۹



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۷ ذیحجه ۱۳۴۵

جلسه ۱۱۵

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقايان : اسفندیاری - نظام مافی - سیدابراهیم ضیاء
 حیدری مکرری - نوبخت - فرشی - زعیم
 غائبین بی اجازه جلسه قبل

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یکشنبه چهاردهم خردادماه
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

آقایان : علیخان اعظمی - حشمتی - حاج حسن آقا ملک - آیت الله زاده اصفهانی .

درآمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : قوام شیرازی - میرزا محمد تقی بهار - افخمی

درآمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : شریعت زاده - امیر تیمور کللی - عباس

میرزا - حاج شیخ بیات - میرزا عبدالله خان وثوق -

محمدولی میرزا - میرزا حسن خان وثوق .

رئیس - آقای آیت الله زاده

آیت الله زاده - بنده را در صورت مجلس غائب بی

اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده کسالت داشتم و از

مقام محترم ریاست هم اجازه خواسته بودم .

رئیس - بعد از تحقیق از کمیسیون اصلاح میشود

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . برگرام دولت

مطرح است . آقای فرمند

فرمند - بنده معتقدم که باید برای پیشرفت امور

مملکت يك برگرام مملکتی و ملی داشته باشیم که تمام

مراکز مملکتی و ملی ما روی آن کار کنند که سرعت

تقی ما زیادتر از این بشود و زودتر از این این فقر

اقتصادی و بدبختی که پیدا کرده ایم بیرون بیاوریم . یکی

از مراکز یعنی در درجه اول مجلس شورای ملی است .

آنچه بنده استنباط کرده ام مجلس شورای ملی يك آرزو هائی

برای پیشرفت امور وطن عزیز دارد و چهار مسئله را

بنده استنباط کرده ام که به آنها بیشتر اهمیت میدهد . اول

موازنه صادرات و واردات است . دوم رفع تعدی مأمورین دولت

سوم اتخاذ يك اصول مفیدی است برای مملکت . چهارم

کنترت دکترا میلسپو است . مسئله صادرات و واردات

اهم قضایا است برای يك ملتی . امروزه تقریباً سالی

شصت هفتاد کرور پول از این مملکت بیرون میرود و ما

داریم روبه ور شکستگی میرویم و نزدیک است تشکیلاتی که ما داریم بحال فلج بیفتد . بطوریکه بنده مشاهده میکنم روز بروز پول ایران کم میشود و اگر باین ترتیب مادرسال سه سال دیگر جلو برویم تمام ادارات این مملکت فلج خواهند شد و به يك بدبختی بزرگی دچار خواهیم شد . در برگرام آقای مستوفی که حالا برگرام آقای هدایت شده است يك موادی برای اصلاح اقتصادیات بود ولی این مواد که در آنموقع وضع شد يك موادی است که خیلی بطول می انجامد یعنی ناتیجه اقتصادی بدهد خیلی طول دارد . مثل راه آهن ، بانک ملی ، استخراج معدن آهن و غیره . بنده تصور میکنم که باید آقای هدایت يك عجله و جدیت زیادتری بفرمایند برای رفع بحران اقتصادی که (بطوریکه مشغول اقدامات هستند که مال التجاره های ما از طرف شمال صادر شود) زودتر موفقیت حاصل کنند ولی بنده معتقدم که باید سعی بفرمایند که يك راه های دیگری برای صدور مال التجاره ایران پیدا شود مثل راه طرابوزان و راه موصل . در موقعیکه آقای رئیس الوزراء وزیر فوائد عامه بودند در اینموضوع يك مذاکرانی شده است ولی هنوز نتیجه گرفته نشده است بنده تصور میکنم که مسئله پیدا کردن راه های دیگر برای صدور مال التجاره های ایران که یکی از سرمایه های اولی مجلس شورای ملی و دولت است و فوق العاده لازم است . یکی دیگر با این صرفه جوئی هائی که ما داریم و تقریباً دوسه کرور است باید اقدامات فوری کرد برای رفع احتیاجات اقتصادی . مثلاً وارد کردن کارخانه قندسازی که اگر جدیت کنیم در ظرف يك سال ممکن است کارخانه قند سازی تأسیس کنیم . بنده معتقد نیستم که ماصبرکنیم تا رئیس بانک از آمریکا بیاید و بانک را تشکیل بدهد و میز درست کند آنوقت اقدام کنیم . تا او بیاید طول میکشد و باید دولت زودتر شروع نماید و زودتر لواجیحی در این خصوص بیاورد به مجلس و يك ترتیب

اسامی در این کار داده شود . چون این بحران اقتصادی که ما الان دچار آن هستیم واقعاً خطرناک است و هر وطن پرستی (چنانچه همه آقایان و کلا و آقای هدایت و آقایان وزراء وطن پرست هستند) معتقد است که باید يك اقدامات عاجلی برای رفع این بحران بشود بنده معتقدم که باید سرمایه های خارجی را بطوریکه مضر بحال ما باشد از دول غیر همجواری وارد این مملکت کنیم . برای این راه آهنی که ما میخواهیم تأسیس بکنیم يك کمپانی هائی را جلب کنیم که صد کرور پولی در این مملکت بیاورند و در ظرف سه چهار سال راه آهن را بسازند و در عرض چند سال دوباره از ما بگیرند و این بهترین راه است برای جلب سرمایه راه آهن ما هم به اسرع اوقات کشیده خواهد شد و زودتر به مملکت ما استفاده خواهد داد يك مسئله هم که در موقع برگرام آقای مستوفی بحث کردم این بود که قالی ایران به مهالك خارج که میرود يك گمرکهای گزافی از آن میگیرند . بنده آنوقت به وزیر خارجه وقت که حالا هم وزیر امور خارجه هستند عرض کردم که شما داخل مذاکره شوید و رفع این گمرک را بکنید و اگر حاضر نشدند ما هم مقابله متقابله کنیم یعنی به مال التجاره های آنها گمرک گزافی به بندیم تا آنها راضی شوند که تخفیفاتی به ما بدهند . اگر این مسئله اقدام و عملی شود تصور میکنم سالی چندین کرور وارد این مملکت بشود . البته اینهم يك نکته است که تصور میکنم باید هیئت وزراء به آن اهمیت بدهند . يك نکته کوچکی هم هست که دست خودتان است و آن این است که يك چیزهائی مثل عتیقه جات و گندم را جلوگیری نکنیم که از مملکت خارج شود . عتیقه جات موقعی برای ما لازم است که اول نان داشته باشیم بعد موزه درست کنیم . ما امروز داریم رو بورشکستگی میرویم . موزه ملی وقتی میتوانیم درست کنیم که اقلاً شکممان سیر باشد . اینجا باید ملاحظه بشود و بعضی چیز هائی را که دولت قدغن کرده است صدور آنها را اجازه بدهد و تصور می کنم این موضوع

هم سالی چند کرور پول به مملکت ما وارد کند . مسئله دوم رفع تعدی مأمورین دولت است . ما وکلا که اینجا هستیم تحت فشار موکلین خودمان هستیم و هر روز باید برویم وزارتخانهها و تقاضا و لماس کنیم از آقایان وزراء برای رفع تعدیات که مأمورین میکنند . البته شکی نیست که آقایان وزراء میل ندارند که مأمورین آنها در ولایات تعدی کنند ولی باین حال مأمورین در ولایات تعدی میکنند بنده معتقدم که دولت باید يك اصولی اتخاذ کند که مأمورینش را موظفی که دارند آگاه کنند مأمورین وقتی که بخارج میروند مثل این است که به يك مملکت مستعمره میروند . باید برای آنها کنفرانس هائی داده شود و دستوراتی به آنها داده شود . اگر گوش نکردند آنها را مجازات کنند . ماهیچ ندیده ایم که در وزارتخانهها مأمورین را مجازات و اخراج یا حبس کنند . تعدی مأمورین دولت از یکطرف فقر مملکت از یکطرف برای ما خطرناک است . بنده اینطور می بینم که بالاخره مردم عاصی خواهند شد و وضعیت بدی پیش می آید و البته رجال سیاسی باید از وضعیت بدی که در آتیه ممکن است تولید شود پیش بینی و جلوگیری کنند . استدعای دیگر بنده از هیئت دولت این است در موقعیکه لواجیحی به مجلس می آورند کوشش کنند ما هم در مجلس کوشش خواهیم کرد که قوانین طوری وضع شود که مأمورین دولت کمترین مداخله در امور زندگانی مردم نکنند . چون مأمورین ما اینقدر ها وظیفه شناس نیستند که بدانند آنها مستخدم همین ملت هستند که مالیات میدهند . مادام که این را نفهمیده اند باید کوشش کنیم که کمتر در امور مردم دخالت کنند و این يك اصلی است که تصور میکنم هم دولت و هم مجلس باید جداً این اصل را برای آسایش مردم در نظر بگیرند . اما اتخاذ اصول مفیده برای بودجه مملکت این نظر در مجلس هست و اغلب آقایان نمایندگان اظهار عقیده فرمودند که بخارج مملکتی که داریم قریب بیست و

پنج میلیون يك ول خرجیهائی درش هست که دولت و مجلس باید بنشینند و این ولخرجیهارا بزنند که يك پوهائی پیدا کنیم و آنرا صرف تأسیسات عام المنفعه و بقول آقای نفی زاده صرف مخارج حاصل خیز بکنیم بنده خودم يك روزی اینجاء عرض کردم . به عرض وزارت مالیه رساندم ، که بنده معتقدم چهار پنج میلیون از این بودجه که داریم ول خرجی است و باید کسر کرد . البته . اشخاصیکه امروزه مستخدم دولت هستند اینهارا نمیشود بطور کلی اخراج کرد بنده شکی ندارم ولی در تأسیسات جدید که میشود برای راه آهن و راه های شوسه و غیره بنده معتقدم اشخاص جدیدی استخدام نکنند همین دوائری که فعلاً هست کوچک کنند و اعضاء زیادیش را بفرستند به آن مؤسسات جدید که بعد تشکیل می شود . برای این که اگر ما بخواهیم تشکیل آلمان را هی وسعت بدهیم بالطبع باید هی مالیات اضافه کنیم . و این ملتی که اینطور فقیر است بهیچوجه نمیشود بر او مالیاتی تحمیل کرد پس ناچار میشویم از مخارج کسر کنیم و گمان میکنم آقایان اعضاء کمیسیون بودجه و آقایان وزراء هم این عقیده را دارند که باید مخارج زیادی زده شود . اما راجع بتجدید کنترات دکتر میلسپو شاهزاده وزیر مالیه در جلسه گذشته فرمودند فقط متخصصین نبودند سر نیزه هم بوده است که ادور مالی را اصلاح کرده است . این معنی را همه میدانند که دکتر میلسپو با شایو و مأمورینش نمیتوانست از ایلات و عشایر مالیات بگیرد . ایرانها متشکرتند از شخص اعلیحضرت همایونی که امنیت را در مملکت بسط دادند و تمام ایلات و عشایر را خلع سلاح کردند و در بر تو اقدامات ایشان مالیاتها وصول شد و تمرکز عایدات پیدا شد . البته تمام ایرانها متشکر بوده و خواهند بود از اقدامات وطن پرستانه اعلیحضرت همایونی و دکتر میلسپو هم از آنجائی که یک نفر خارجی است و ما دیدیم نسبت به این مملکت با کمال صمیمیت و صداقت خدمت کرده است و البته باید

از خارجی که بما خدمت کرده است قدر دانی کنیم و من معتقدم که باسرع اوقات کنترات میلسپورا به مجلس بیاورند و ما هم دلگرم بشویم زودتر لوایحی که در مجلس هست از قبیل فروش خالصجات و لوایح دیگر بگذرانیم و شروع شود به اصلاح امور اقتصادی . بنده معتقدم که ما باید تمام هم خودمان را مصروف کنیم باینکه موازنه صادرات و واردات بعمل آید . اگر وضعیت صادرات و واردات ما اینطور که الان هست که در هر سال شصت هفتاد کرور از این مملکت خارج میشود ادامه پیدا کند ما میرویم رو به ورشکستگی و اگر ورشکست بشویم کارهای مازمین خواهد خورد و این بودجه بیست و پنج میلیونی که داریم زمین خواهد خورد . بودجه راه آهن ما فوراً نقص پیدا میکند و بالاخره مخاطرات زیادی در پیش خواهد آمد و وظیفه رجال سیاسی ما این است که همیشه فکر فردارا بکنند و پیش بینی کنند مخاطراتی را که ممکن است پیش بیاید و جلوگیری نمایند .

رئیس -- آقای فهمی

فهمی -- بنده گمان میکنم که مابین آقایان عنوان مخالفت با دولت باشد نهایت تذکراتی اظهار میشود و البته مفید هم خواهد بود . بنده خودم جزو موافقین دولت هستم و تمام عرایض اظهار موافقت است آقایان ممکن است بفرمایند این همان پرگرام سابق است پس چرا آنوقت موافقت نکردید ...

آقا سید یعقوب -- هیچکس نمیگوید . فراموش شده است .
فهمی -- بنده آنوقت که موافق نبودم نه برای پرگرام بود البته مواد پرگرام يك چیزهای مفید و نافع بود لیکن بنده مطمئن بودم که عملی نخواهد شد . الان آقای رئیس الوزراء حاضر که بنده سالها است خدمتشان ارادت دارم میدانم که علاوه بر عفت نفس و صمیمیت و وطن خواهی که دارند جدیت در عمل و علاقه مندی به کار کردن هم دارند و مطمئن هستم که مواد پرگرام عملی

خواهد شد . آقای شیروانی در جلسه قبل اظهار فرمودند که در کابینه سابق هم باره عملیات شده . بنده هم تصدیق میکنم ولی نباید فراموش کرد . هر عملی هم که واقع شد آن چیزهائی بود که طرف توجه خاص اعلیحضرت واقع شده بود و جدیت ایشان کار را تمام کرد . همینقدر که ایشان اظهار علاقه فرمودند و دنبال کردند کار تمام شد و الا تماماً در تحت منگنه مطالعه باقی میماند برای مثال عرض میکنم یکی از مسائلی که از ابتدای این دوره که تقریباً یکسال است میگذرد مورد توجه نمایندگان محترم ودوات و تمام مردم بوده است مسئله زحمان و صدماتی است که از راه مالیات ارضی به مردم وارد می آید همه میدانند که در مدت این چند سال اخیر بواسطه جنگ های بین المللی و انقلابات داخلی و خارجی تمام مردم از هسقی ساقط شدند . املاکشان از بین رفت . رعایا متواری شدند و حال زراعت در این مملکت طوری شده که هیچ زارع و رعیتی دارای هیچ چیز نیست و فقط چیزیکه باقی مانده است همان جزو جمع سابق است که در دست مأمورین مالیه است و همه روزه با فشار های زیاد متعرض مردم هستند . آقایان این مطلب را حس کردند که یا باید این مالیات موقوف شود یا تغییری بدهند که راحت تر بشود لیکن هیچ قدمی بر دانسته نشد . در این اواخر چند جلسه قبل که بنده راجع به طرح مربوط خالصجات انتقالی عرایضی کردم که از این راه فشار هائی بر مردم وارد میآید و باید رفع شود آقای وزیر مالیه فرمودند که لوایح آن حاضر شده و عنقریب به مجلس خواهد آمد و بنده هم اطلاع دارم که حاضر شده است و میباید اما علتش چه بود در يك ماه قبل که با چند نفر از آقایان شرفیاب شدیم خدمت اعلیحضرت ایشان فوق العاده اظهار علاقه مندی باینستار میکردند که از این راه مردم خیلی در مضیقه هستند و باید اصلاح شود در تعقیب آن هم رئیس کل مالیه را خواستند باو تاکید فرمودند که لایحه راجع باصلاح مالیات ارضی

و تبدیل آن بچیز دیگر باید زودتر تهیه شود . این است که در نتیجه این توجهات بالاخره این لایحه تهیه شده است و عنقریب از مجلس خواهد گذشت . الا بنده بنام حفظ حقوق ایرانیها و برای امثال امر اعلیحضرت از آقای وزیر مالیه استدعا میکنم که توجهی بفرمایند این لایحه را در شش هفت روز دیگر به مجلس بیاورند این زحمت را ما میکشیم و نام نیکش برای جنابعالی بماند

وزیر مالیه -- اطاعت میشود .

فهمی -- استدعای دیگری هم که از آقایان وزراء میکنم (در جلسه قبل هم قبل از دستور عرض کردم) مسئله بودجه است يك توجهی بفرمایند آقایان که مجلس و دولت موفق بگذرانند آن بشوند . چهار پنجسال است که بودجه مملکت فقط به دوازدهم میگذرد گاهی هم در آن فواصل اعتبارات اضافی به مجلس میاید ولی بالاخره بودجه به مجلس نیامده یعنی بودجه که مجلس آن را ماده به ماده مذاکره و شور کنند و تصویب کند و بعد آن را بموقع اجرا بگذارند و نتیجه را به مجلس اطلاع بدهند هنوز به مجلس نیامده ، الان ماه سوم ۱۳۰۶ است موقعی است که دولت باید مشغول تهیه بودجه ۱۳۰۷ باشد که در قسمت آخر سال بیاورند به مجلس و در اواخر سال مجلس تصویب کند ماهنوز مشغول تصویب اضافات ۱۳۰۵ هستیم هنوز به سصد و شش هم نرسیدیم آنهم چه اضافاتی که حقیقه هیچکدام را نمیشود موافقت کرد بنده با آن اضافات همان طوریکه آقای آقا سید یعقوب در جلسه قبل اظهار فرمودند موافق نیستیم . ولی این عدم موافقت بنده مربوط بدولت نیست . با ایشان کمال موافقت را دارم ولی با اضافه بودجه نمیتوانم موافقت کنم زیرا اضافه بودجه يك شرائطی دارد یعنی بعد از آنکه بودجه تصویب شد اگر دولت دید يك اضافاتی لازم است بآنها توسعه تأسیسات موجوده . بآنها بایجاد تأسیسات جدید بالاخره باید بودجه مجلس بیاید و اگر مجلس نبود آنچه را که لازم میدانند

مستشاران آمریکائی وارد شده اند. از اول ۱۳۰۲ اختیارات مالیه و بودجه کاملاً دست آنها بوده است. بودجه ۱۳۰۲ را بموقع اجراء گذاشتند در ۱۳۰۴ عمل ختم است بودجه ۱۳۰۵ تمام شده الان ۱۳۰۶ است يك فقره حساب به مجلس نیامده است که مجلس بداند این اعتباراتی را که تصویب کرده و این پولی را که اجازه داده آیا پرداخته اند یا نه؟ این وجوه بمصرف خودش رسیده است یا نه؟ وزارت مالیه در کلیه وزارتخانهها نظارت کامل بعمل میآورد اما خود وزارت مالیه که تقریباً نه کرور و کسری بودجه دارد خودش در نخت هیچ نظارتی نیست. باید دید که این نه کرور را چه جور خرج میکنند. نه این است که بنده عرض می کنم که بد خرج کرده است. خیر: ولی مجلس هم باید حساب داشته باشد از دولت و بداند که دولت چه میکند در این مملکت نظامانی معین شده. قانون برای دیوان محاسبات نوشته شده. لیکن هیچکدام اینها فعلاً وجود ندارد و وزارت مالیه که مرکز عایدات دولت است هیچ نظارتی در عملیات او نیست البته صاحب جمع هیچوقت نمیتواند خودش ناظر باشد باید ناظر عملیات بودجه کسی باشد که خودش داخل حساب نباشد

زوار - آقا مخالفید یا موافق؟

فهمی - بعد عرض میکنم یکی از مسائلی که در برگرام هیئت دولت نوشته شده بود مسئله الغاء کاپیتولاسیون بود این يك اقدام خیلی زرگی بود که بتوجهات اعلیحضرت همایونی اقدام شد و البته دولت حاضر باید وسایل انجام پیشرفت او را فراهم آورد بنده عرض نمیکنم لازمترین عملی که برای انجام این کار خواهد بود تکمیل نواقص عدلیه است تا تشکیلات عدلیه صحیح و کامل نشود البته این مقصود ما بعمل نیآید وزارت عدلیه سابق مورد شکایات و گله گذاریهای زیادی از طرف طبقات عامه بود آقای وزیر عدلیه قدم پیش گذاشتند و آن فداکاری را کردند و آنرا منحل کردند

حالا بجای آن میخواهند اساس تازه بریزند ما باید خودمان بدانیم که در تشکیلات عدلیه باید همه علاقه مند باشیم زیرا اگر خوب شد فوائدهش متوجه مملکت و اگر هم بد شد ضررش متوجه مملکت خواهد بود. ما که میخواهیم کاپیتولاسیون را لغو کنیم باید تأمینات قضائی را در مملکت تکمیل کنیم. آقای تقی زاده و همچنین آقای فرمند در ضمن فرمایشاتشان اظهاراتی میکردند دراجع باینکه خوبست دولت در عوائد بودجه سالی مبلغی برای کار خانات و غیره تخصیص کنند بنده متأسفانه با این نظر مخالفم دولت نباید از بودجه این کار را بکند دولت نباید از مردم مالیات بگیرد و خرج کارخانه قندسازی یا راه آهن یا آبیاری کند. این کار هارا باید مردم بکنند اهالی بکنند. دولت باید وسایل امنیت خاطر مردم را فراهم کند. دولت باید مردم را تشویق کند. از جهت تاسیس اطافهای تجاری و کلهکهای بوسیله بانکهای فلاحی و امثال اینها و فرستادن متعلمین به خارجه این اقدامات را دولت باید بکند بدون اینکه منتظر يك نتیجه یا يك منافع مستقیماً از این محل ها بشود ولی البته وقتی مملکت ثروتمند شد وقتی تجارت در مملکت دایر شد، دولت هم فایده خودش را خواهد برد و مهمترین چیزی که برای اینکار دولت باید فراهم بکند همان امنیت قضائی است برای مملکت. امنیت قضائی اگر بشود هرکس میتواند سرمایه خودش را بمصرف شرکتها بزند و کپانی ها تشکیل بدهند و بالاخره مملکت را آباد کنند. ولی اگر خود دولت بنا باشد بوسیله تاسیس مالیات این کار هارا بکند بالاخره مردم از بین خواهند رفت و بالاخره يك مؤسسات بخرجی هم تاسیس خواهد شد که شاید برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت لیکن تاسیساتی بوسیله کپانی ها و مردم درست بشود البته فوائدهش بیشتر خواهد بود و مخارجش هم کمتر است تا تاسیساتی دولت بوسیله منابع مالیاتی نخواهد ایجاد کند: يك قسمت فرمایشات

فرمودند در جلسه قبل و آن راجع به تجدید کنترات مستخدمین خارجی بود بنده هم البته موافقم که مستخدمین امریکائی هم باید استخدامشان تجدید بشود و البته آنها هم خدمت کرده تد ولی بنده فرمایش آقای رئیس الوزراء را هم تصدیق میکنم که فرمودند این موضوع موضوع جزئی است نسبت بموادى که در پروگرام ذکر شده است بجهت اینکه مسئله تجدید کنترات مستخدمین خارجی را نباید در ردیف عهدنامه تجاری روس با الغاء کاپیتولاسیون قرار بدهیم که اهمیت دارد

آقا سید یعقوب - خیر خیلی اهمیت دارد.

فهمی - آف مطلب دیگری است البته بنده هم میدانم اهمیت دارد و میدانم زحمت کشیده اند و ما آنها را لازم داریم و البته آقای رئیس الوزراء هم همانطوریکه فرمودند با نظریاتی که دارند کنترات آنها را اصلاح میکنند و به مجلس میآورند و ما هم تصویب خواهیم کرد لیکن در خانه عرایض این جمله را (هر چه با باد) عرض میکنم: کاش که این درجه علاقه مندی و ابراز نیت را که برای ازدیاد قوای مستشاران خارجی در این مملکت داریم يك قدریش را هم نسبت به مستخدمین ایرانی میکردیم ولو عشرش باشد و اگر کمترین خطا یا قصوری سر میزد باعلی درجه مجازات میکردیم و اگر خدمت میکردند پاداش میدادیم و لا اقل قدردانی میکردیم و الا تا وقتی که این رویه و احساسات در ما هست که همیشه بخوایم خارجی ها را اینقدر بر خودمان مسلط و مقدم داریم بنده ناچارم عرض کنم که ما استقلال ذاتی پیدا نمیکنیم و همیشه ایرانی باید زیر دست و مطیع و کوچک باشد.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده مردم بودم اجازه نطق که میخواهم در ضمن موافقین اسم خودم را بنویسم یا مخالفین برای اینکه بنده با مواد مندرجه در برگرام دولت موافقم با دولت هم موافقم نهایت این است که يك تذکرانی دارم و

عقیده ام این است که این برگرام ناقص است یا مواد مندرجه در برگرام مخالف نیست. يك نواقصی بنظر من می رسد. بادولت هم موافقم و میخواهم نواقص را تذکر بدهم موضوع اینست. عرض کنم آنچه را که بعقیده خودم تذکرش لازم است اولاً حفظ نگاهداری و سر برستی خلیج فارس است که بعقیده بنده قیمتش مساوی با استقلال مملکت است که بدبختانه اگر بگویم دولت هیچ اعتنائی بآنجا نکرده چون این کلمه در سایر موارد هم استعمال میشود درست مطلب را ادا نکرده ام. خلیج فارس فوق العاده موقعیتش مهم است و بی اعتنائی دولت نسبت بخلیج فارس فوق العاده زیاد است. هیچ وسیله بجهت حفظ خلیج فارس، حفظ اتباع ایران که در سواحل خلیج فارس نشسته اند جلوگیری از قاچاق و غیره و غیره از طرف دولت فراهم نشده. يك وقت گفته میشد دولت مقتدر نیست، پول ندارد مدیون است، مقروض است، امروز اطلاع دارم بحول وقوه خدا قریب بیست میلیون پول نقد مادر بانک شاهنشاهی بیکار افتاده است. نه اینکه عرض کنم که این پول را ببرند و کشتی بخرند بجهت حفظ خلیج فارس بلکه به وسایل دیگر از همان اعتباراتی که برای خرج تعیین شده ممکن بود تهیه کشتی بشود. اگر دولت اهتمام داشت لازم بود یکی از مواد برجسته برگرام این را بنویسد: خرید کشتی برای خلیج فارس. و اگر کشتی در خلیج فارس نباشد تجارت مردم ساکنین سرحدات خلیج فارس بکلی از بین میرود. بواسطه کثرت قاچاق عایدات دولت هم نقصان فوق العاده پیدا خواهد کرد. بنده خیلی آرزو دارم از این هیئت دولتی که طرف اعتماد کامل بنده هستند يك اطمینان بدهند که در آتیه خیلی نزدیکی برخلاف سابقین يك اهتمام فوق العاده نسبت بخلیج فارس خواهند کرد و مبادرت در خرید کشتی برای جلوگیری از قاچاق و جلوگیری از دزد هائی که در روز در جزیره هنگام يك عده بی گناهی را کشته اند و قتل هم معلوم است و چیزی هم نبوده اند بکنند اما در آنجا هیچ قوه نیست. کی جلو آنها

را بگیرد؟ هیچ در مقابل هست؟ ولو بکنفر هم باشد خیلی کم است. این عرایض بنده راجع باین قسمت بود یکی هم راجع بیکی از مواد برگرام است که در سابق این ماده جزء تشریفات برگرام ها بوده اما امروز یکی از اصول مهمه برگرام است و آن تشبید و حفظ روابط حسنه است بادول متحابه بنده گمان میکنم يك جمله که لازم بود بر این جمله افزوده شود آن حفظ بی طرفی است. دولت ایران باید این ماده را کاملاً تحت نظر قرار بدهد و طوری در حفظ و وقایه این ماده از برگرام بذل مساعی بکند که فوق آن متصور نباشد یعنی موقعیت مقتضی این است. از جمله عرایضی که بنده داشتم این است که حقیقتاً باید اعتراف کرد که مخارجی را که دولت میکند و زندگان مستخدمین دولت متناسب با زندگانی اهل مملکت نیست. هیچ تناسب بینشان نیست بلکه می خواهم عرض کنم تناقض هست. بعد از جنگ بین المللی اوضاع زندگانی مردم دنیا تغییر کرد و اگر مراجعه بفرموده هر يك از ملل متمدنه يك تغییراتی در ترتیب زندگانی خودشان داده اند از قبیل جلوگیری از ورود اشیاء غیر لازم و غیره بخلاف ما چندی پیش لایحه منع اشیاء نجملی و زاید آمد در مجلس و مطرح شد بدبختانه مسکوت عنه ماند. در صورتیکه اگر ما از این راه یعنی بواسطه جلوگیری از مال التجاره زاید و اشیاء نجملی صادرات و وارداتمان را نسبتاً تعدیل نکنیم حقیقه رو بمرک میرویم. از جمله عرایضی که میخواستم بکنم این است که: امروز یکی از تخمیلات فوق العاده بر ما این پولی است که بجهت بنزین و نفت میدهیم در صورتیکه ایران روی دریای بنزین و نفت ایستاده. اما بدبختانه قیمت نفت و بنزین در ایران بمراتب گرانتر از قیمت نفت و بنزین است در لندن. میگویند نه؟ سؤال کنید یعنی در لندن نفت ارزانتر است اگر دروغ میگویم تکذیب کنید. اگر از آنجا وارد کنیم ارزانتر است

شیروانی - یعنی نفت ایران در آنجا کازرونی - انگلستان که نفت ندارد بنده میخواستم تذکر بدهم که این قسمت نفت شمال را بانواع داخله اجازه بدهند استخراج کنند هر قدر استخراج کنند مرطوب استخراج کنند از فوق العاده در زندگان مردم دار و عیاله باقی را بنظر آقایان میگذارم و دیگر بیش از این جسارت نمیکنم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که در این برگرام يك مسئله مهمی است و يك تذکری هم بآن مسئله مهم داده شده که وکلای شمالی را بالاخص صاحبی متصدی کابینه کرده آن مسئله وعده صریحی است که آقای رئیس الوزراء دادند اولاً عقیده ما راجع به آقای هدایت این است که مرد صریح و قوی القولی است که وعده میکند شوخی نیست. ملعبه نیست. وعده که میدهد عمل است و وعده را از دهان ایشان قول نقلی میکنیم و امید واری قطعی داریم که در اوضاع اقتصادی بالاخص راجع بقطعات شمالی يك اوضاع مساعدی فراهم کنند و این مسئله ایست که توجه ما را بالاخص باین کابینه جلب کرده. عرض کنم که سایر تذکرات را بنده مانع نمی بینم بالاخره این فرمولی که اینجا صحبت شد بنده خیلی خوب می دانم چون بنا بر این بود که مخالف و موافق صحبت می کردند بعد معلوم شد که خیر مخالفی نیست فقط تذکری بود از محذوفها و این هم طور بدی نیست برای اینکه ممکن است يك کارهائی از نظر دولت فراموش شده باشد و یادشان بیاورند. این موضوع را هم که طرف توجه وزارت مالیه است بنده می خواهم چون اینجا مذاکرات شده بود عرض کنم مسئله دکتر میلپیو در این مجلس طوری صحبت میشود گانه يك جریان مخالفی دارد و يك جریان موافق و جریان موافق می خواهد جریان مخالف را متقاعد کند که کمترت او را بیاورند به مجلس. وزیر مالیه. رئیس دولت. همان رئیس صریحی که عرض کردم وعده کردند

که کمترت او را بیاورند در مجلس و در دست رس ما میگذارند و ما میتوانیم نسبت بآن اظهار نظر کنیم و بالاخره میخواهند تعدیل بکنند چون تجربیاتی دارند و میخواهند تجربیاتشان را روی کاغذ بیاورند و بالاخره هم ما حاکم بر قضیه هستیم بنا بر این چه جای نگرانی است و این مسئله هم بر حسب گفته و اقوال دولت خواهد آمد. اصلاً بنده اینجا عقیده دارم. عقیده ام این است که مسئله کمترت دکتر میلپیو غالباً بعنوان تعدیل گفته میشود. بنده این طور فکر نمیکنم. بنده خودم آن اختیارات دکتر میلپیو را خواندم ولی مبهم است و باید روشن بشود. چون گاهی تعبیر مخالف دارد و غالباً مزاحمتی که بین دولت و میلپیو تولید میشود در نتیجه آن ابهام است و اگر دولت متقرن شده باشد که باید این ابهام را مرتفع کند که يك وضعیت روشنی داشته باشد که بعدها بایکدیگر مصادم نشوند خیال میکنم این فکر باین روشنی و باین اندازه وجه فکر خوبی است و این فکر مشترک بین همه است که لایحه باید مطالعه شود و اگر باید تعدیل و پس و پیش بشود باید کرد بعد هم در دسترس ما میگذارند جای نگرانی هم نیست که این اصلاحاتی که میکنند زیاد و افراط و تفریط باشد. خود ما حاکم بر قضیه خواهیم بود و جریان این طرف و آن طرف نیست. بالاخره خود دولت کسی است که این کمترت را ده روز پنج روز دیگر در دسترس ما میگذارد و پس از آنکه گذارد ما در آن اظهار نظر میکنیم. عرض کنم: يك حرفی آقای کازرونی زد خیلی برای بنده مؤثر واقع شد. بنده ساکلامعاون وزارت داخله بوده ام و در وزارت داخله کار کرده ام و نابالو مقایسه ما بین گذشته و آینده وجود بنده است و حالا که می بینم وکیل فارس از جزیره هنگام صحبت میکنند می بینم که چقدر جریان بصورت عادی است و چقدر بطرف آرامش میرود که این نقاط محل نظر است در صورتیکه سابقاً خیابان ناصریه مأمون نبود. در خیابان لاله زار تأمین نبود. بنده معاون وزارت داخله بودم

مسلح بودم و تحت حفاظت ژاندارم بودم که نوی
کوچه راه بروم و این حالا برای بنده چقدر ناشیسته
توجه است که با دولت حاضر مباحثه راجع به جزیره
هنگام و خلیج فارس میشود. ما واقعاً خیلی خوشوقت
هستیم و مقروض وضعیت حاضر میباشیم که این آبادیها را
بما داده که این طور توسعه فکر پیدا کرده ایم. يك
باد آوری شد از اشیاء نجمی بنده عرض میکنم کلمه (اقتصادیات)
يك جمله است که اینها از فروغ و متفرعاتش است و خیال میکنم
هیچ دولتی نخواهد یا بتواند تمام فروغ را در لایحه برگرداند
جا بدهد. البته وقتی که دولت میگوید: من با اقتصادیات
موافقم و ناظر بفروعات هستم و نهیه می‌کنم البته یکی
از فروعات خیلی مهم او هم مسئله اشیاء نجمی است و
اگر نظر مبارکشان باشد همیشه خود بنده مدافع بودم
و عقیده داشتم که این جریان را باید بالمره منع کرد و
این رقابت هائی را که بین طبقات دوم و سوم و اول
هست مرتفع کرد و بالاخره زندگانیان را يك نواخت
بکنیم که رفع این محظورات بشود و راحت بشویم بالجمله
بنده با خلاق دولت و رئیس دولت آکام که باوری
خوش و اراده خوب با این مذاکرات مواجه هستند و
اگر واقعاً هم آنها چیزی یافتند که باید بان عمل کرد
و باید آرا ماخذ قرار بدهند خواهند داد و امیدوار هستم که
این يك دفعه هم برخلاف عادت به بینیم که این مواعید
صورت عملی پیدا میکنند. ما وکلای شمالی نصد داریم
و امیدواریم که قضائائی که ما را فلج کرده و اوضاع
مارا وارون کرده اصلاح شود و يك اوضاع مساعدی پیش
بیاید. بعلاوه يك چیزی هم در ختام مذاکرات خودم
عرض کنم. همانطور که عرض کردم این فکر خوبی
است که در ما تولید شده. این فکر ترقی خواهی که
غالباً در مجلس شورای ملی هست می بینم که اگر يك
کسی بخواد هفت تا موضوع را اصلاح کند آقایان
قناعت نمیکنند و میخواهند هی نمره اش بالا برود و
این يك حالت ترقی خواهی است که در مجلس شورای ملی

اجداد شده و این فکر خیلی خوبی است ولی بنده خیال
میکم که بهترین شقوق این است که دولت يك نمره
از امور را (که اینک کرده) که از خودش قوه انجام
آن ها را می بیند تعهد بکنند (اگر باید يك چیزهای
نوی بر زندگانی خودش بیفزاید) و اگر رفت به خلف
خودش وا بگذارد و بنظر بنده وعده های قطعی کوتاه
بهرتر از وعده های وسیع بی نتیجه است (نمایندگان -
صحیح است)

رئیس - آقای مدرس

مدرس - اولاً خودم را تبریک میگویم که اول
وقتی است که موفق شدیم بيك حاج رئیس الوزراء.
اینهمه کابینه ها که تشکیل شد در رأسش حاجی نبود
و این يك موفقیتی بود که موفق شدیم و خودم را
تبریک میگویم و اقتدا می کنم بآن مستعینی که ابتدا به بسم الله
کرد و من هم ابتدا میکنم به بسم الله بسم الله الرحمن الرحيم
اعتراض در دستور دولت از حیث متعرض منقسم بر سه
قسم است و از جهة تعرض چهار جهة میتواند داشته باشد
متعرض یا مخالف است. می گوید من مخالف دستور
و پرگرامی هستم که روی کاغذ آمده است. یا مخالف اشخاص
او هستم از حیث عیبی که در آن اشخاص است. اینها
حیثیات است. مخالف است یا موافق است یا ممتنع
البته ممتنع هم دو قسم می شود يك لا ادری و یکی
ادری لا. فعلاً عرض کنم که من ممتنع ادری لا هستم
ولیکن جهتش بعد از آنکه عرایض مسموع آقایان شد
واضح میشود...

باسائی - ادری لا همان مخالف است

مدرس - يك مخالفی است که ممکن است موافق بشود
مخالف معقولی است. حیث مخالفتم را عرض میکنم با از
حیث دستور است که در این ورقه نوشته اند یا از حیث
اشخاص آن است یا از جهت کیفیات تشکیلش است یا
از جهت مقتضیات وقت. البته همه آقایان این
عرایضی که کردم ملتفت معنائش هستید و شدید.

يك دفعه هم میشود هم رئیس دولت و هم افراد دولت
مردمان خوب شایسته هستند لیکن حیث وقت مقتضی تشکیل
آنها نیست. يك وقت میشود که خیر خدای نخواستہ افرادش
منقصی دارند. يك دفعه هم کیفیت تشکیلش خوب نیست
بنده هر چهار جهت را در آقایان دولت حاضر عرض
میکم که منشاء امتناع من است. البته بعضی اوقات
میشود که الا هم فالاهم است. مثلاً يك عیبی در دستور
است بعضی اوقات خدای نخواستہ يك عیبی در افراد است
و کابینه سوراخ دارد. این کابینه اگر هفت تا ملك
باشد بدرد نمیخورد. يك دفعه کیفیت تشکیلش درست
نیست. کابینه و تمام کار هائی که در مملکتی دارای
حکومت ملی است باید مستقیم یا غیر مستقیم باراده
ملت معین شود. اگر خدای نخواستہ در این
مسئله نقص باشد اگر هشت تا ملائکه هم باشد بدرد نمیخورد
يك دفعه خیر هیچکدام این عیبهات نیست. دستور خوبست
افراد خوبست. و همانطور که آقای عدل الملك گفتند
قولش خوبست. محترم است. عملی است. همه اینها هست
لیکن مقتضیات وقت اجازه تشکیل او را نمیدهد. يك
مثلی يك وقتی در مجلس (در اطاق تنفس بود) عرض کردم
بساعت شمشیر جوهر دارد بسا هست شمشیر آهنی است
يك روز وقت بکار بردن شمشیر آهنی است و شمشیر جوهر
دار بکار نمی رود يك وقت هم وقت بکار بردن شمشیر جوهر
دار است. حالا از اول شروع می کنم. آقایان از مذاکرانی
که آن روز کردند و اتکال کردند برگرام را به
پرگرام سابق. همچو حدس میزنم که پرگرام سابق را
نخوانده اند...

وزیر مالیه - چرا خوانده اند

مدرس - اگر راست میگوئید چند ماده است ؟

وزیر مالیه - هیچ ماده

مدرس - چند نایش عمل شده ؟

وزیر مالیه - سه چهار تا

مدرس - سه چهار تا؟! این مطالعه است؟! (خنده)

نمایندگان) چند نایش عمل شده چند نایش مانده است ؟
ملتفت شدید. حالا برایتان مبخوانم. در يك جلسه
نشسته اند (و حق هم با آنها است) پرگرام بنویسند
هر کدام يك پیشنهادی کرده اند بعد گفته اند
آقایان وکلا که ملتفت نیستند به پرگرام آقای مستوفی
هم که رأی داده اند. همان را پرگرام قرار میدهیم.
غافل از اینکه پرگرام موادیش که عمل شده است موضوع
ندارد پرگرام را خودتان هم مطالعه نکرده اید اگر مطالعه
میکردید اول پرگرامی است که تویش بکماه ندارد
و آن تطبیق جمع و خرج است. این بازده سال. بیست
سال مشروطه اول پرگرامی است که در آن تطبیق
جمع و خرج ندارد. آنوقت میگویند مسئله کنترات
میلیسپو فرعی است. اگر پرگرام های این بیست ساله
را پیدا کردید می بینید که در تمام آنها تطبیق جمع
و خرج را دارد. این اول پرگرامی است که در آن
ماده تطبیق جمع و خرج را ندارد. آنوقت مسئله
فرعی است! این اصل نظر است. مسئله تطبیق جمع
و خرج در مملکت از نظام بهتر است بجهت اینکه نظام
پول میخواهد. از سیاست خارجه بهتر است. خارجه
وقتی که ما معطلیم سیاستش حکمفرما است. چیزها
دیده ایم. حالا داخل اینها نمیشوم. اولاً افراد ایرانی
ها را تجربه کردیم یعنی بنده تجربه کرده ام. بعقیده
بنده همه خوبند. یعنی عالماً عامداً نسبت به مملکت
خبط و خیانت نمیکنند. بنده هم در سفر وهم در حضر
هم افراد عالی وهم افراد دان را تجربه کرده ام لیکن اگر
رندها بگذارند. عمده مسئله سر این است که باید موقع
شناس شد و در موقع های سخت باید يك کابینه تشکیل
بشود و تشکیل داد که بتواند مقاومت با هرگونه پیش
آمدی بکند نه اینکه بخوانند. همه میخواهند. عقیده ام
در ایرانی این است که این جا میگویم ایرانیها تماماً وطن
خواه هستند. هیچ استثناء ندارد اما استعداد کم است.
یکی هست از شغال میترسد خوب. علاجش را نمیشود

کرد. خوب آدمی است. اما از شغال میترسد باید کابینه را به مقتضیات وقت تشکیل بدهند. من عقیده ام این است که این کابینه مقتضی امروز نیست. موقعیت ایران امروزه در معرض موقعیت جنگ عمومی است در تمام دنیا. ... رفیع - اینطور نیست آقا

مدرس - بسیار خوب عقیده شخص خودم را میگویم من عقیده شماره نمیگویم. عقیده شما آن اولی بود که رأی دادید در وقت من عقیده خودم را میگویم. من عقیده ام این است که دولتی که حالا تشکیل شده است ماده اول پروگرام او را که یکی از آقایان که گویا آقای کازرونی بود بآن اشاره کردند. این ماده آن روز اول که نوشته شده (حسن روابط با دول متحابه) آن روز که نوشته شده بود لفظ خالی بود و امروز علاوه بر لفظ يك چیزهای دیگر و يك استحكامات دیگری میخواهد. نمیگویم نمیتوانند. باید محکم باشد تا بتوانند. همین قسمی که می خواهند بشود. نه بخواهند و نشود. عرض میشود من صلاحیت نمیدهم از برای خودم که داخل در افراد شوم زیرا افراد را همه میشاسید و يك چیز نازه نداریم که نگفته باشد. همه وزیر شده اند. مقصود عرض بنده در این ماده اولی بود و من تعبیر میکنم سیاست را و شاید این تعبیر بذهن شما يك قدری دور بیاید. سیاست ما ایرانیها باید سیاست بز کوهی باشد. آقایان اگر چه بعضی شان تفنگ دست میگیرند ولی بدبختانه ندیده اند يك شکاری و اثرش این است که دستشان را گذاشتند و يك گنجشك هم زدند (خنده نمایندگان). سیاست بز کوهی آنست که همیشه بین الطلوعین چرا میکند که بقدری روشن باشد که علف را به بیند اما بقدری روشن نباشد که صیاد او را صید کند. ما ایرانیها هم باید سیاستمان طوری باشد که زندگی کنیم اما صیاد ما را صید نکند (نمایندگان صحیح است) حالا يك مسئله مشکلی نیست مرد شجاع میخواهد. مرد شجاع آن است که موافق عقیده اش بگوید و بکند. هر کس قابل این مسئله

نشسته ایم شما هشت نفر وزیر میآورید این جا. کسیکه میخواهد با مجلس شورای ملی کار بکند (من نمیگویم رسماً چون همه چیز رسمی نیست) باید با وكلا تبادل آراء بکند در تشکیل آنها در این موقعیت. در این موقعیت های بزرگ غیر از اراده ملت هیچ چیز بدر نمیخورد. قابل مقاومت اراده ملت است. نمایندگان ملت هم آقایانند. البته آقایان مطابق اراده موکلینشان رأی میدهند شما مشورت که نکردید. در پروگرام هم که مشورت نکردید هیچ مطالعه هم نکردید. بنده مدعی هستم که مطالعه نکرده اید. در مطالعه کردنش هم البته ماده باید با آقایان مذاکره کرده باشند و همه در يك خط باشد. خصوص در این مسئله هائی که اشاره شد که یکی ماده اول باشد حسن روابط در کابینه اول آقای مستوفی لفظ خالی بود و مثل همیشه زینت دستور ها بود. ماده اول حسن روابط است. اینهم بکطرفی است این را بدانید که حسن روابط که ما در پروگرامها مینویسیم بکطرفی است یعنی از ما بدیگران. اما از دیگران نسبت بما چه؟ دیگر گفتگویش نیست امروز باید حقیقت زیاد تر باشد حالا وارد می شویم در مواد که اگر آقایان تبادل آراء نکردند حالا تبادل آراء بکنند و شاید حالا موفق بشویم که يك خط مشی درست کنیم. ماده اول که لفظ بود و باید حقیقت پیدا کند حسن روابط با دول متحابه است. (ماده دوم اصلاح و توسعه امور تجارت و تسهیلات راجع به ترانزیت و رفع اشکالات موجوده آن) عملی نشده است و گمان نمیکنم آقایان هم عملی بکنند از خداوند توفیق آنها را میخواهم (اهتمام در ترویج و ترقی زراعت مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آنها و بستن سدها) عملی نشده است و نمیشود. فقط يك مستشار باده بیست هزار تومان خرج درست میشود. (نهیة لایحه برای فروش خالصجات) که مطرح است و يك شور هم شده است. انشاء الله شور دوشم هم میشود و از آقایان خواهش میکنم

که اجرا بکنند تاسیس بانک دولتی بابتك شعبه رهنی) این نصف ماده اش درست است (نهیة و تقدیم لوایح لازمه برای اصلاحات راجعه بامور مالیه که عملاً ضرورت آنها ثابت گردیده است) آقای حاج مخبر السلطنه: شما جزو کابینه بودید. این ماده یعنی چه؟ سابق يك لفظی نوشته بودند. تجدید کنترت میسیون امریکائی خلاف تراکت بود لفظ بهتری برایش جسته اند. آنهاست که عملاً ضرورت آنها ثابت شده است چه بوده؟ جز کنترت دکتر میلسپو دیگر چه کاری است؟ آقایان مطالعه نفرموده اند یا نخواسته اند که معنی این باشد. (تقدیم لوایح تدریجی برای اعطای امتیازاتی که برای استفاده از منابع ژرف مملکت لازم است و تقدیم و تشویق اتباع داخله از حیث سهولت) اینکه اتفاقاً عملی نشد که امتیاز به اتباع داخله بدهند. حالا امیدواریم چون آقای حاج مخبر السلطنه در این مسئله يك خصوصیتی دارند يك امتیازاتی بداخله داده شود. چون ایشان همیشه نسبت بفوائد عامه يك امتیازی داشته اند از ایشان خواهش می کنیم که در این مسئله سعی بفرمایند انشاء الله الرحمن عملی بشود و يك امتیازاتی بداخله بدهند که داخله هم بکار بیفتد بلکه يك کمکی به اقتصادیان بشود (تسریع در تاسیس کارخانه ذوب آهن) شروع شده است انشاء الله تکمیل هم میشود (اصلاح و توسعه راههای شوسه) که مشغولند (اجرای تصمیم مجلس پنجم راجع به نقش برداری خطوط آهن) اینهم الحمد لله بکقدرش شده است (استحکام تشکیلات وزارت داخله) این جا يك کله حرف است و آن این است که ما رسمیمان این است که اصلاح هر وزارتخانه را خیال میکنیم معنایش این است که وزیر برود چند نارا بردارد و يك چند نائی را بگذارد. ابتدا ما در این مدهای مدیده اصلاح وزارتخانه را غیر از این چیزی ندیدیم و حال آنکه صدبار گفتند. بابا يك قانون تشکیلات بنویسید بیاورید. وزارت خانه باید قانون تشکیلات داشته باشد. يك وظائفی داشته باشد. هیچکس

این کار را نکرد. اما بمجرد اینکه همین آقایان امروز که پروگرامشان بگذرد پس فردا پنجاه تا برداشته می شود و پنجاه تا می گذارند. هر کس در حوزه وزارتخانه اش این را اصلاح می داند که چند نارا بردارند و چندتا را بگذارند. بعقیده بنده معنی این عبارت این است که يك قانونی برای تشکیلات و يك قانونی برای وظائف آنها معین کنند که آنها چه کار کنند. آقای کفیل وزارت خارجه: خواهش دارم عقب من بیایید دم دروازه از يك مأمور خارجه که میخواهد برود بیرون ازش بپرسید میروید آنجا چه کار کنید. میگوید میروم آنجا تبعه را حفظ کنم. تبعه را حفظ کنم هم قانون است؟! هر وزارتخانه يك قانون تشکیلاتی می خواهد و يك وظائفی که آنها عمل کنند چه داخله باشد چه خارجه. می خواهم بگویم که شماها این معنی را برای این ماده نکنید و فردا پنجاه نفر را هم سرمن نریزید که آنها را برداشته باشند. و پنجاه نفر دیگر را جایشان گذاشته باشند. این اصلاح است؟! اینجا يك لفظی است که مناسب با این پروگرام است و مناسب با آن پروگرام آقای مستوفی نبوده است. اینجا ماده دوازدهم نوشته است (تکمیل قوانین موجوده راجع بامور قضائی) این مناسب پروگرام امروزه هست اما مناسب آن پروگرام نبود. آنجا باید بنویسند تخریب. آروز نوشتند تکمیل ولی باید بنویسند تخریب. گویا آقای شیروانی اظهار کردند که امید واریم همینطور که شروع کرده ایم با آخر هم برسد ولی شاهنامه آخرش خوش است. (بسط و توسعه مدارس ابتدائی) که این آقا (اشاره با آقای وزیر معارف) یکقدری شروع کرده اند و آن آقا هم (اشاره با آقای بدر) شروع کردند و انشاء الله امید واریم انجام بگیرد (تقدیم لوایح لازمه برای توسعه خطوط تلگرافی) يك لایحه بمجلس آمد که از فلان ده سیم بکشند به فلانجا و دو سیم سیصد هزار تومان هم گویا بر آورد کرده بودند بنده اینجا تعقیب می کنم اظهاراتی را که کراراً آقای تقی

ما لنگ میشود. شما اسباب جنگنا را که می خواهید درست کنید به بینید دنیا چه جور میشود. دنیا می رود آنجائی که تمام با طیاره حرکت کنند طیاره ما ناخوش میشود. رجوع کنید به طبیب. این جا يك طبیبی بدست که بتواند این طیاره هارا چاق کند؟! عرض میشود (تقدیم لوایح لازمه) که عمل نشده است (تجدید نظر در قانون استخدام) که از اهم امور بود هر چه کیسبون داد زد با نا پیشنهادات را بیاورید اینجا کسی نیارود (تأسیس شورای دولتی) يك قانون بی مصرف بی معنائی يك شور درش شد و شاهزاده نصرت الدوله هم خیلی اصرار در آن داشتند ولی الحمد لله نگذشت (تزیید و توسعه قوای امنیه) این جا يك مسئله است آقای قائم مقام الملك صحبت داشتند از میمون. بنده هم يك مثلی این جا دارم که بادم آوردید و متعلق بقوای امنیه است و آن خلع اسلحه است. اصلاً يك قانونی از مجلس دوره سابق گذشته است و آن قانون حمل اسلحه است

منده اول - هیچکس نباید در شهر ها هیچ نوع اسلحه ناریه یا خود حمل نماید

ماده دوم - طبقات نظامی فقط در هنگام مأموریت خدمت نظامی و در مواقع مشق اسلحه گرفته و بعد از ختم مأموریت مذکور یا عملیات نظامی اسلحه ناریه خود را درمراکز خواهند گذاشت.

ماده سوم - مأمورین حفظ نظم و امنیت از قبیل پلیس و ژاندارم و امنیه فقط میتوانند اسلحه را که دولت برای آنها معین داشته است حمل نمایند

ماده چهارم - اشخاصیکه بقصد شکار و با مسافرت با اسلحه میخواهند از شهر عبور نمایند باید بحسب اجازه کتبی اداره نظمی باشد

ماده پنجم - هرگاه کسی با مواد این قانون مخالفت نماید اسلحه او ضبط و خودش از بدست و چهار ساعت الی دوازده حبس یا از یکتومان الی بدست تومان

جریمه شود

ماده ششم - اینقانون در ظرف یک هفته پس از تاریخ انتشار در طهران و در ظرف یکماه در سایر بلاد بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

از زمان اقتدار مقام حالیه خلع سلاح در این مملکت بنا شد و تفهیم منشأش چه بود. البته مسئله نظری است. مسئله بدیهی نیست. مسئله نظری است که آیا خلع اسلحه از عموم صلاح است یا نه ...

روحی - صلاح است

مدرس - بسیار خوب باید مجلس رأی بدهد کار باید از مجلس بگذرد ...

وزیر مالیه - چه چیز

مدرس - همین مسئله را. هر کاری در مملکت حکومت ملی میشود باید به اراده ملت باشد و باید مجلس شورای ملی رأی بدهد. مسئله نظری است. چرا اولاً ما نا قوای مسلح کافی بقدر تمام مملکت پیدا نکنیم هر قومی و هر جمعیتی باید خود شان را بتوانند حفظ کنند ...

دشتی - دولت باید حفظ کند.

مدرس - بنده گفتم نظری است. عقیده همه را نگفتم يك حدود و سرحداتی داریم که هر کدام با جا های دیگر با ایلات دیگری سرحد دارد. دولت هر وقت توانست يك قوه مقتدره کافی تشکیل بدهد باید بانها بگوید تفنگشان را بدهید. امروز هر کدام کاغذ دارید. نمیدانم آقای شیروانی دارند یا نه. بوبر احمدی تا پشت سمیران و خود سمیران ناخته اند ...

بعضی از نمایندگان - نتیجه داشتن اسلحه است

مدرس - بدست. چرا. برای اینکه از آنها که زورشان رسیده است تفنگشان را گرفته است و از آنها که زورش رسیده است نگرفته است. بوبر احمدی را که خودشان می شناسید. بوبر احمدی و محسنی را که زورش رسیده است تفنگ دارند. دهات دیگر که

زورش رسیده گرفته . باید از دزد بگیرد و از غیر دزد نگیرد . بنده این مسئله خلع اسلحه را در مملکت ایران نظری میدانم . يك مسئله خیلی واضح بدهی میدانم . مسئله میدانم که باید هیئت وزراء با کمال آزادی در هیئت خودشان مطرح بکنند . اطرافش را در نظر بگیرند و همه جای مملکت را در نظر بیاورند و صلاح این مملکت را به بینند که همه تفنگ هایش باید يك جا باشد یا نه . آن چه بنظرشان رسید پیشنهاد مجلس بکنند . بنده بقدری این مسئله را نظری میدانم که آقایان اگر درش تأمل بکنند و حدود و خصوصیات ایلات و طوائف و سرحداتی که ایلات ما یا ایلات خارج دارند درش تأمل نمایند شاید تصدیق بفرمایند که مسئله نظری است . حالا کار ندارم بنده این مسئله را تذکر دادم که هر کاری که میشود باید منبعش این جا باشد . باید حکم از این جا برود و دیگری اجرا کند . هر چه هست از این جا باید باشد . اراده ملت حاکم است . اما مسئله میمونی که آقای قائم مقام الملك گفتند . یقیناً آقایانی که وکیل خسه هستند میدانند که خوشبختانه باید بختانه من هم اینطور شده ام چون يك املاکی این مسجد در خسه دارد همه اش من مینویسند که امسال شما متوقع مال الاجاره نباشید زیرا خوک ها نمیگذارند زراعت بشود . بواسطه اینکه اسلحه خوک ها را که نکرده اند اسلحه بیچاره های پابسته ها را گرفته اند . یادولت باید به امانیه خودش حکم بکند که جلوگیری کند باطوری بشود که خود ما جلوگیری کنیم . حالا آن جا به میمون ابتلاء دارند این جا باین حیوان ابتلاء دارند . هر چه ابتلاء بیک حیوانی دارند . یادولت بمأمورین خودش حکم بدهد که در این مسئله جلوگیری کنند و با اجازه بدهند که مردم اسلحه داشته باشند که رفع این موضوع را بکنند . این مسئله تبعی بود و بجهت تذکر آقایان عرض کردم . مسئله ماده هیچده که ماده آخر برگرام است (ایجاد وسائل لازمه برای تفتیش سواحل)

که شاید نظیر این را آقای کازرونی فرمودند . این ماده آخر مثل ماده اول است یعنی به لفظ زیاد تر شباهت دارد نامعنی . نمیدانم ایجاد وسائل لازمه برای تفتیش سواحل شده است یا نشده بامیشود . در هر صورت این هم از توابع آن اولی است . چون میخواهم خانه بدم يك چند نامسئله دیگر را هم تذکر میدهم تا اینکه آقای فهیم الملك میگویند دولت مخالف ندارد و همه تذکر دادند بنده هم تذکر میدهم که از این فیض عظمی محروم نمانم . يك مسئله مسئله سر باز گیری است کابینه و مواد کابینه باید به مقتضای احتیاجات روز باشد . يك قانون بسیار خوبی از مجلس گذشت . البته میدانید هر قانونی در دفعه اولش نمیشود بدرجه کمال برسد با آقای ذکاء الملك هم تقریباً سه هفته قبل در این باب مذاکره کردیم که این قانون نواقصی دارد و باید دولت تحت نظر بیاورد و يك موادی برای رفع نواقصش تنظیم نماید این یکمسئله . مسئله دیگر موضوع اجراء است . بنده میخواهم بشما اینجا اطمینان بدهم که آنچه افراد قشون اجباری گرفته اند اکثریت مطابق این قانون نیست حالا نمیتوانم همه را بگویم ولی اکثریتش نیست . با آلهائی که مباشر بوده اند اغراض شخصیه شان مانع شده . با آلهائی که مباشر بوده اند قانون بلد نبوده اند . بالاخره در همین مسئله هم من تقاضا کردم که هر دولتی هر وزیر جنگی که در این مسئله شك دارد يك کمیسیونی تشکیل بدهند و الان اینهائی را که گرفته اند یکی یکی بیاورند تحقیق کنند نامعلوم شود . چرا اینرا من اهمیت میدهم بجهت اینکه یکی از رأی دهندگان این قانون من هستم و از تمام یا اکثر نقاط ایران بمن نوشته اند که شما چرا اظهار موافقت کردید . گفتم عقیده من این است که اگر این قانون اجرا بشود صلاح مملکت است . لیکن متأسفانه دیدم اجرا نشد و اگر جلوگیری از این نشود بنده بکنفری مصمم هستم که اگر قدرت پیدا کردم پیشنهاد لسخش را بکنم . زیرا این قانون اجرا نمیشود و

وقتی که اجرا نشد اسباب زحمت مردم است . اسباب زحمت مردم فایده اش برای مردم چیست ؟ پس باید دولت قانون را در نظر بگیرد اگر نواقصی در نظرش آمد چند ماده بیاورد و مجلس شورای ملی هم مراقبت بکند در این که خود قانون اجرا شود . اگر قانون اجرا نشود و توی ذهن مردم بخورد برای ما تعریفی ندارد . ما باید قانون درست کنیم که بدزد مردم بخورد و صلاح مردم باشد . وقتی که اسباب زحمت مردم باشد فایده ندارد . پس این مسئله از مسائلی است که بنده تذکر میدهم که فکرشان را صرف بکنند هم در اصلاح قانون و هم در نظارت اجرا . این هم از مسائل مهمه است که عرض میکنم که محتاج سؤال و اینها نشود چون بنده سؤال و اینها دوست ندارم و برای اینکه محتاج نشود باین که ممتنع مخالف بشود این عرایض را کردم این دو تا يك مسئله دیگر را هم تذکر میدهم و آن این است که کارها خوب است در مملکت نشود . از عدمیات ما چندان ضرر نبردیم لیکن اگر کاری میشود باید مطابق قانون بشود و الا خوبست کاری نشود اگر چه این حرف من نظیر حرف آقای حاج رئیس الوزراء است و در عرض مواد برکرام نیست . لیکن چه کنم این جزئی را هم میگویم ناشرکت داشته باشم با آن آقایانی که جزئی گفتند و آن مسئله بلدی است . يك قانونی از مجلس گذشت که مأمورین دولت باید لباس وطنی بپوشند که سالی اقلأ يك میلیون بر اقتصادیات مملکت تفاوت حاصل شود . آقایان : بلدی به اعلان کرده است غیر وطنی بپوشند !! پارچه اش را هم معین کرده است ذریعی بیست و پنج بایدست و هفت قران این بلدی به کجا است ؟ مگر مال این مملکت نیست آقای سید یعقوب - بودجه اش را رأی نمیدهم .

مدرس - بچه مناسب است ؟ مگر دولت مستقلاً است غیر از دولت مشروطه که مرجعش مجلس است ؟ یکی اینکه هر روز صبح رد میشویم می بینیم فلانج را خراب کرده اند

خوب خراب میکنند پولش را بدهند ...
دستی - میدهند

مدرس - کی میدهند ؟ یکیش را بفرمائید دستی - برای مصالح عموم است

مدرس - برای مصالح عموم بیایند کلاه من را بردارند ؟ هر روز بیایند خانه منرا خراب کنند و پولش را هم بدهند ؟ در دنیا کجا است که ما یکیش باشیم ؟ هر کدام اینها دولت مستقلاً هستند ؟ ! باید تابع قوانین این مجلس باشند . میخواهند باشند میخواهند آنها را بخیر ما را سلامت . جمعی از نمایندگان - تنفس

رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود .

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع دراطقی که قبل از دستور کردند گویا سوء تفاهمی برای بعضی از آقایان تولید شده است و میل دارند توضیح مختصری بدهند .

حاج آقا رضا (رفیع) - عرض کنم در ضمن مذاکراتی که راجع بکفایت مذاکرات شده بود اسمی از آقای تقی زاده برده شده بود و بنده هم چو تصور کردم که ایشان نسبت به بودجه وزارت فوائد عامه مذاکرات را کافی میدانسته اند ولی در تنفس که با ایشان مذاکره شد معلوم شد ایشان هم با ما هم عقیده بوده اند و میل داشته اند که باید يك قدری صحبت کرد مخصوصاً راجع به جنکلی . این بود که خواستم عرض کنم ایشان در آنموقع همچومبلی نداشته اند و مذاکرات را کافی ندانسته و می خواستند که بیشتر در این خصوص مذاکره شود

رئیس - آقای یاسائی

فهمی - آقای مدرس در ضمن فرمایشاتشان فرمودند

بعضی از نمایندگان - آقای یاسائی را فرمودند

رئیس - آقای یاسائی را عرض کردم

فهمی - به بخشید بنده ملتفت نشدم

یاسائی - اشخاص باید در زندگی شخصی یا سیاسی یا در هر مرحله که هستند از نقطه نظر ترقی و تعالی که منتهی آرزوی هر بشری است سعی بکنند که يك مقام ارجندی احراز کنند آنوقت پشت سرش هر چه شد بشود. يك وقتی بایکی از رفقا گویا در انجمن ادبی بود صحبت میکردیم که نسبت به اشعار شیخ نباید انتقاد کرد. مذاکره هم راجع باین شعر بود که میگوید: (چنان دوست میدارم که کر روزی فراق افتد) این فرد اول طوری است که مستمع منتظر میشود که فرد ثانی باید خیلی مهم و جالب توجه باشد. کوه را از هم بشکافد. بعد میگوید (تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم) در صورتیکه این فرد خیلی سبک است و این قدرها اهمیت ندارد. مذاکره در اطراف این شعر بود بنده و یکمده از رفقا عقیده مان این بود که چون شیخ گفته است نباید تنقید کرد. ولی رفقای جوان انجمن ادبی متقاعد نمیشدند و بالاخره شعرهای خواجه و شیخ و اینها را در معرض انتقاد میآوردند. حالا آقای مدرس هم همینطورند ولی گاهی زشت و زیبا هم میگویند زشت و زیبا از صنایع بدیع است و نحو اسم جسانی کرده باشم. از صنایع بدیع فارس است گویا در عربی نیست...

بعضی از نمایندگان - هست

یاسائی - بسیار خوب شاید هم هست. اگر هست خودشان در اواخر مطول خوانده اند. ایشان فرمودند که نسبت بکابینه ممکن است مخالف یا موافق یا ممتنع باشند و يك بیان نازده هم فرمودند که ممتنع دو قسم است یکی لا ادری و یکی ادری لا. لا ادری یعنی بنده که ممتنع هستم نسبت بکابینه. نمیدانم خوب است یا بد است. باید ببینیم در عمل چه میکنند. آنوقت ممکن است در آئیه موافق بشوم. این معنای ممتنع است مطابق آنچه که موافق بذهن است ولی موضوع ادری لا مسئله امتناع نیست مخالف است...

مدرس - مخالف معقول است

یاسائی - در هر حال این بیانی که شما فرمودید يك بیان نازده بود که بنده حالا می بینم. باز فرمودند مخالفت با کابینه از دو نقطه نظر است یکی مخالفت با خط مشی و پروگرام دولت و یکی از نقطه نظر وزراء که آدم نگاه می کند به کابینه می بیند وزراء آنطوری که باید کاملاً مورد اطمینان و اعتماد باشند نیستند لهذا مخالف میشود با مشکوک است از حالشان ممتنع میشود. با پروگرام عملی نیست یا برخلاف مصالح مملکت تنظیم و تدوین شده میگوید از نقطه نظر پروگرام یا دولت مخالف. ولی در طی بیاناتشان اینطور فرمودند که با پروگرام مخالف نیستند و نمیتوانند هم باشند چرا برای اینکه این پروگرامی است که مجلس تصویب کرده و پروگرام کابینه آقای مستوفی است پروگرامی است که در موقعی که در اطرافش مذاکره و مباحثه میشد حضرت آقا اعتراضی باین پروگرام نداشتید و کاملاً عملی میدانستید ولی حالا چون این وزراء میگویند ما همانها را عملی میکنیم و چون نظر خوبی بوزراء ندارید میگوئید عملی نیست. چون این وزراء میگویند همان رویه را قبول داریم و چون شاید نظر خوبی به آقایان وزراء ندارید میفرمائید ممتنع هستم. اما در نظر وزراء يك فورمولی حضرتعالی پیدا کرده بودید قبل از تشکیل کابینه. میفرمودید وزراء را باید از بین و کلاء باقره معین کرد و بالاخره باید حتماً از مجلس بروند در صورتیکه در موقع کابینه آقای مستوفی (که بنده هم طرفدار کابینه شان بودم) میفرمودید يك وزیر نباید از مجلس برود. حتی خودم از حضرتعالی شنیدم که میفرمودید باید يك قانونی از مجلس بگذرانیم که وکیل حق ندارد از مجلس برود بیرون خلاصه اینکه در آن موقع این طور میفرمودید و حالا این طور و این پیشنهاد نمایندگان راجع بطبع صورت مشروح مجلس را بنده حالا فکر میکنم که خیلی خوب است. فرمودند تا حالا ما کابینه که رئیس الوزرائش حاجی باشد ندیده بودیم...

مدرس - این تعریف بود.

یاسائی - بالاخره حاجی بودند که عیب نیست. ولی این کابینه با حاجی هائی که شما طرفدارشان بودید فرقت این است که چند نا حاجی هائی را که شما شاید میل ندارید ما خیال می کنیم بهتر است و در هر حال تفاوتی بین آنها قائل نشدیم همه حاجی هستند. يك مطایبائی فرمودند که کابینه سوراخ دارد...

مدرس - مطایبه نبود حقیقت بود

یاسائی - بنده نفهمیدم. ممکن است شما نسبت بيك وزرائی حسن نظری نداشته باشید ولی اکثریت دارند اما خوب بود و خوشوقت میشدم تصریح میفرمودید...

مدرس - خودشان میدانند.

یاسائی - بنده هم میدانم مقصود آقا چیست. اما اگر تصریح میفرمودید که همه میدانستند بهتر بود. فرمودند از چیز هائی که در برگرام سابق بود و در این جا نیست و خیلی مورد توجهشان شده بود مسئله تعدیل دخل و خرج و میسیون آمریکائی بود. بنده هم با حضرتعالی موافقم دولت حاضر هم نهایت درجه با این نظریه موافقت دارد که جمع و خرج مملکت باید کاملاً معلوم باشد هیچکس با این نظریه مخالف نیست و این جزء قضایائی است که پیش همه مسلم است پیش مجلس. پدش جامعه. فرمودید سیاست خارجی تأثیرش وقتی است که ما معطل باشیم. اینرا هم موافقم و تصدیق میکنم و همین لحاظ مجلس هم طرفدار میسیون آمریکائی است برای اینکه جمع و خرج را تنظیم کرده اند. ولی فقط همین کار را کرده اند.

بنده و آقای شیروانی و آقای آقا سید یعقوب و يك عده از رفقایمان طرفدار میسیون آمریکائی و دکتر میلسیو هستیم و مدتی است می دویم و آنچه میتوانستیم و در عهده اختیار و اقتدار ما بوده است اقداماتی که برای تجدید کنترات آنها لازم بوده است کرده ایم. مقامات عالیه هم نهایت درجه میل را دارند که کنترات آنها

تصویب شود. خود بنده از شخص اعلیحضرت شنیدم که فرمودند در قن دکتور میلسیو سوم است (نمایندگان صحیح است) این عین بیان شاهانه است و مجلس هم که بالاخره چهره مخالفت نشان نداده که بعضیها نگران شده اند. بنده از دوره پنجم طرفدار میسیون آمریکائی در مجلس بوده ام و حالا هم هستم ولی بيك معایبی در کارشان هست که البته در موقع تجدید کنترات آنها خواهم گفت. شاید بيك معایبی در کار اینها باشد که بنظر دولت برسد و البته باید اصلاح کند. بالاخره در دوره چهارم در کنترات اینها بيك چیز هائی قید شد که صلاح مانست دو باره آنها را تکرار کنیم. مثلاً نوشته که دولت ایران و مجلس ایران نمی تواند بدون جلب نظر رئیس کل مالیه تعهد مالی بکند. و این قید بعقیده بنده برای استقلال دولت ما و استقلال قوه مقننه ما خوب نیست. خوب وقتی که بنا شود ما هیچ تعهد مالی بدون جلب نظر مستخدمین خارجی نتوانیم بکنیم دیگر مجلس شورای ملی معنی ندارد. موضوع دیگر مسئله حکمیت است در کنترات دکتور میلسیو که بنده خواندم در آن قانون نوشته که اختلافات حاصله بین دولت ایران و مستخدمین آمریکائی بحکمیت برگذار خواهد شد. این در قانون نبود و گویا آقای علاء بعد در خارج ضمیمه کردند و این خوب نیست زیرا در این صورت ما دکتور میلسیو را در عرض دولت ایران قرار میدهیم و این ترتیب صحیح نیست. و باید دولت این مواد را اصلاح کند. ما میسیون آمریکائی را آورده ایم که نوکر ما و نوکر مجلس و نوکر شاه و دولت باشند اینکه دولت نوکر دکتور میلسیو باشد. این ها همه از معایب این قانون است که باید در موقع اصلاح شود. افراد آمریکائی که در اینجا هستند مستقیماً با دکتور میلسیو رابطه دارند و بوزیر مالیه اعتنائی نمیکنند این یعنی چه؟ در هر حال بيك معایبی در کار آمریکائی ها هست که باید اصلاح شود. و بنده وقتی که معایب و محاسن اینها را مقایسه میکنم روی هم رفته می بینم محاسنش زبادت از معایبش

است و البته هر چه بمانند مضارشان کمتر خواهد شد. و يك چیز دیگر که محل نظر حضرتعالی هم هست این است که بالاخره يك روزی که میسیون امریکائی از این مملکت می رود باید يك کسی را تربیت کرده باشند تا ما بتوانیم رشته امور مالیه خودمان را باو بسپاریم. آیا جز تشکیل کمپانی دیگر چه کسی را تربیت کرده اند؟ و بعد از اینکه این ها رفتند کی را سرخ دارید که بما معرفی خواهند کرد باین معنی که او را تربیت کرده باشند و بما بسپارند. فرضاً حالا نه ولی سه سال دیگر ده سال دیگر بالاخره يك روزی باید این طور بشود بطوریکه بنده مطالعه کرده ام يك کسی را تربیت نکرده اند تا بتواند در آتیه امور مالی ما را اصلاح کند البته این هم يك عیبی است که باید رفع شود. و در آتیه این قید بشود. و بالاخره يك اشخاصی باید تربیت شوند که کاملاً معروف بصحت عمل باشند و در جامعه بخوبی معرفی شده باشند و این ها را باید تحویل بدهند که در مواقع رفتن خودشان ما بتوانیم با کمال اطمینان امور مالیه خودمان را بآنها بسپاریم.

شیروانی - کمپانی هم باید منحل شود.

یاسائی - خوشبختانه کمپانی دارد منحل میشود در هر حال نگرانی که از طرف بعضی از آقایان اظهار میشود هیچ مورد ندارد و کمتر از آنها تجدید خواهد شد. اعلیحضرت همابونی هم کاملاً این عقیده را دارند و موافقتند که کمتر از اینها تجدید شود.

یکی از بیاناتی که فرمودند این بود موقع مهم است و سیاست خارجی بیشتر باید مورد توجه و دقت قرار داده شود. و کابینه مهمتر و قوی تر باید روی کار بیاید و وزرای رشیدتر و آزموده تری باید انتخاب شوند. بیاناتشان بهر عبارت بود ولی در هر حال مقصودشان این بود که عرض کردم. بنده عقیده ام این است که آقای حاج مخبر السلطنه يك شخص شجاع وطن پرست و صحیح العملي است که هیچکس تردید ندارد. و بنده

این شخص را تقدیس میکنم. در موقع بیکاری یا کلیشه سازی زندگانی میکند. مجسمه این آدم را باید ریخت. و او را باید تقدیس کرد. ایشان در تمام مأموریتهای خودشان شجاعت بخرج داده اند و اخیراً هم در بین کابینه های اخیر ایشان تنها کسی بوده اند که توانسته اند توجه مجلس را بیش از سایرین جلب کنند

خلاصه اینکه تصدیق میکنم که نهور ایشان بآن اندازه مثل دیگران بجای های خطرناک برسد نیست.

مدرس - ریاست تمیز نهور بود نه شجاعت.

یاسائی - ایشان شجاعند. منهور دیگرانند که در موقع دیگر نهور بخرج میدهند. خلاصه اینکه ما نهایت درجه اطمینان را داریم بایشان که در همچو موقعی که فوق العاده مهم است با مهم خواهد شد بر رأس حکومت ایران واقع شده اند و همان طور که در جلسه خصوصی هم عرض کرده ام هنوز هم سیاست روشنی در مقابل ما گذارده نشده است تا بتوانیم روی آن کابینه درست کنیم. این عقیده بنده است. راجع به حفظ روابط حسنه با دول متحابه که فرمودید فقط لفظ نباید باشد و معنی هم باید داشته باشد بنده عرض میکنم کسی که بتواند این معنی را حفظ کند برای ما همین کابینه است. زیرا وزراء این کابینه از اشخاصی هستند که غالباً در کارهای پارلمانی ورزیده شده و در عمل هم شجاع ورشید و دارای معلومات و اطلاعات هستند و خیال نمیکم فعلاً کابینه بهتری میشد انتخاب کرد. حالا اگر اشخاص دیگری هم هستند آنها را برای موقع دیگر می گذاریم. فرمودند ما در سیاست باید مثل بز کوهی باشیم. اولاً متاسفانه گویا اشتباه فرموده اند آن بز کوهی نیست و بز فادزهر دار است. که شبها چرا میکند و روزها جرأت نمیکند بیرون بیاید. ولی این سیاست مال دوره احمدی بود. دوره بهلوی سیاست بز کوهی بدرد نمیکورد. سیاست روشن لازم است. همان سیاستی که میگوید کاپیتولاسیون باید

ملفی شود. سیاستی که امنیت در سر ناسر مملکت نشر میدهد. در دوره بهلوی سیاست باید کاملاً روشن باشد. فرمودند بعضی ها در موقع شکار اشتباه کرده و به دستشان گلوله زدند و حال آنکه يك گنجشک را هم زدند. خیر این طور نیست. این مال آن موقعی بود که مورد حمایت حضرتعالی بودند. ولی حالا ما حفظشان میکنیم که انشاء الله گلوله بدستشان نزنند

مدرس - حالا هم من حامی او هستم که توانسته است اینجا بنشیند.

یاسائی - بسیار خوب. اگر هستید دیگر بهتر. فرمودند که وزراء باید بمیل مجلس انتخاب شوند. و اینکه در پرگرام نوشته و آقای رئیس الوزراء اظهار کرده اند انشاء الله با موافقت مجلس باید کار کرد و آقا ایراد فرمودند. بنده هم عرض میکنم وزراء باید از طرف مجلس و با میل مجلس انتخاب شوند. و هر وزیری باید از يك فراکسیون بیرون بیاید. در دنیائی که مجلسش خیلی بهتر از مجلس ما است و حزب دارند و اوضاع حزبی شان خیلی منظم است همین جور است که وزراء از مجلس انتخاب میشوند چنانچه ما هم اخیراً همین کار را کردیم و بنده عقیده ام این است که در آتیه هم باید همین کار را بکنیم و وزراء باید از مجلس انتخاب شوند تا يك تیپ مرتبی در مجلس پشتیبان او باشد و پشت سرش باشد. حالا اگر وزراء بمیل عده معدودی انتخاب نشده اند و آنها در اقلیت هستند آن موضوع دیگری است. فرمودند اقداماتی که راجع بمسائل اقتصادی و مخصوصاً مسائلی که مربوط بفلاح و غیره است باید اقدامات مؤثری باشد و صرف حرف نباشد. و مثل وزیر عدلیه نباشد که خراب بکند و بعد بگوید بیائید اصلاح کنیم. در هر حال حالا که بنده فکر میکنم می بینم حق با وزیر عدلیه بوده که اول خراب کرد و بعد شروع کرد بساختن. زیرا اگر آن عدلیه را خراب نکرده بود همان عدلیه کشیف بحال خودش

باقی بود.

مدرس - شاهنامه آخرش خوش است.

یاسائی - آخرش را هم می بینیم. شاهنامه آخرش خوش است ولی بمیل ما ...

مدرس - عدلیه سه دفعه خراب شده است.

یاسائی - بلی سه دفعه خراب شده ولی آن خرابیهها اساسی نبوده ولی این دفعه اساسی است و در آتیه خودتان تصدیق خواهید فرمود که عدلیه ما يك عدلیه حساسی خواهد شد. ولی البته مرور زمان لازم دارد و وقت میخواهد بدیهی است که در ظرف سه چهار ماه نمیشود يك عدلیه را که از بنیان خراب شده طوری ساخت که مورد تصدیق شما باشد. البته یکی دو سال وقت لازم دارد که يك شخص لایق و با معلوماتی بتواند عدلیه را آباد کند. و همانطوری هم که فرمودید اصلاح عدلیه به تغییر و تبدیل و حسن انتخاب اشخاص نیست. بلکه به حسن اداره است. و کرازاً من این را به آقای وزیر عدلیه تذکر داده ام که اصلاح تنها به حسن انتخاب نیست بلکه حسن اراده هم باید پشت سرش باشد ولی حسن اداره مرور زمان میخواهد

مدرس - حقوق زیاد میخواهد؟

یاسائی - حقوق زیاد هم مقدمه اصلاح است فرمودند در پرگرام سابق که آقایان وزراء نتوانده اند نوشته شده حسن روابط را با دول متحابه باید حفظ کرد ولی حسن روابط نباید يك طرفی باشد. البته این تذکر حضرت عالی را بنده خیلی موقع میدانم و در قسمتهای سیاست خارجی ما البته همیشه دولتها را باید تشویق و تشجیع کنیم که حسن روابط يك طرفی نباشد. ولی این مسئله راجع به کابینه سابق هم بود و آنها هم این تکلیف را داشتند و وزرای بعدی هم که می آیند این تکلیف را خواهند داشت که حسن روابط نباید يك طرفه باشد پس فقط راجع باین کابینه تنها نیست و خود آقایان وزراء هم همین عقیده را دارند و تا آن جایی که ممکن است و وضعیات

ما اجازه میدهد و قدرت و توانائی ما اجازه میدهد و تا جائی که علاقه و وطن پرستی خودشان حکم میکند رعایت این نکته را خواهند کرد.

در قسمت های مختلفه پروگرام که یکی یکی خواندند و فرمودند آقایان وزراء این ها را نخوانده اند و نیز فرمودند که مواد این پروگرام عملی نیست ولی يك انتقاد امری در اطراف این قسمتها فرمودند. فرمودند حق ترازیت گرفتن از جاهیر شوری کاره مشکلی است. بنده هم تصدیق میکنم که خیلی مشکل است ولی باید عرض کنم که روز های آخر دوره پنجم بود که الان یکسال و خورده ایست ما را باین روز انداخته و این سیاست سیاست اواخر دوره پنجم است و در موقع خودش هم ثابت خواهد کرد. در هر حال امیدواریم کابینه فعلی موفق شود که حتی ترازیت را هم به نفع ما بگیرد و بطور خصوصی که بنده اطلاع پیدا کرده ام بهمین زودتها انشاء الله دولت موفق خواهد شد که قرار داد تجارنی را با جاهیر روسیه منعقد نماید. و اشکالات هم که از نظر تجارت با دولت جاهیر روسیه داریم بکلی مرتفع شود و سیاست دنیا هم ایجاب می کند که همچو موقعیتی را از دست ندهیم. فرمودند ترقی در امور فلاحت و زراعت. قسمت سوم. اهتمام در ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آنها و بستن سد ها برای آبیاری اراضی قابل زرع. همیشه مسائل از نقطه نظر فکر و توری خیلی آسان است. اساساً چیزهایی که همیشه از سر قلم و از سر زبان جاری می شود سهل است. ولی وقتی که می خواهد موقع عمل برسد آنوقت به مشکلات برمیخورد تصدیق می فرمائید ترقی فلاحت و زراعت بحرف نیست متخصص آورده آمد می گوید صد و پنجاه هزار تومان اعتبار لازم دارد بمن پول بدهید تا يك خرج هائی بکنیم. و بعد يك نتایجی ببریم. البته در ابتدای هرکاری باید يك بذر هائی افشاند و بعد نتیجه گرفت و استفاده

برد. در دنیای متمدن هم همین کار را کرده اند باین معنی که اول يك خرج هائی را باید کرد و بعد هم نتیجه برد. در موقعی که لایحه اضافی ۱۳۰۵ فوائد عامه به مجلس آمد نمیدانم آقایان چرا مخالفت کردند اگر خودشان تصدیق میفرمائید که باید زراعت مازنی کنند پس ناچاریم متخصص بیاوریم و يك کمک هائی هم باو بکنیم و حالا که شروع باین کار کرده ایم نباید او را معطل کنیم و باید نظریات او را قبول کنیم. يك پیشنهادانی به کمیسیون بودجه داده باید آنها را تصویب کنیم. ما باید با این ها مساعدت کنیم نه اینکه عملاً مخالفت کنیم. ما باید کار های عام المنفعه را ترویج و تقویت کنیم تا يك کار هائی در مملکت بشود. البته بنده و جنابعالی هم باید سعی کنیم تا آن اندازه که ممکن است از ادارات زیادی بکاهیم. و تا آن قدری هم که ممکن بود کاسته شده ولی این حس ضد اداره که چندی است این جا ایجاد شده خیال میکنید چیز خوبی است؟ برای مملکت اداره و تشکیلات لازم است. منتهی گفتگو در سر زیادی و کمی است. و الا اگر بنا شود حکومتی دارای تشکیلات نباشد چیز عجیبی است؟ ملاحظه بفرمائید يك بقال باپیله و ر که کاسبی میکند (من باب مثل است عرض میکنم) این البته يك تشکیلات زیادی نمی خواهد ولی يك تجارخانه برای بقاء و زندگی خودش تشکیلات وسیعتری می خواهد. بدیهی است که يك تجارخانه نمی تواند مثل يك بقال زندگانی کند. دولت هم تشکیلات می خواهد و این فکر هائی که پیدا شده بنظر بنده يك فکر های نازة است.

قسمت چهارم میگوید تهیه لایحه برای فروش اندرنجی خالصجات بطور مزایده و تخصیص عایدات فروش آن بتأسیس بانک فلاحتی.

این لایحه را که دولت جزو مواد پروگرامش قرار داده کابینه قبل آورد و شور اولش هم تمام شد و مرحله عملی اینکار این است که این قانون باید زودتر از مجلس

بگذرد. خوب این دولت خطائی نکرده که این را جزو مواد پروگرامش قرار داده است. ما باید مرحله آخری لایحه را تمام بکنیم و بعد دولت برود و مشغول عمل شود. آن قسمتی هم که راجع بیبانک رهنی بود ملاحظه فرمودید که دولت فوراً اقدام کرد و موجبات تأسیس آنرا فراهم کرد. - باز از جمله چیز هائی که بآن اشاره فرمودند مسئله اصلاح امور مالیه بود و فرمودند که دولت چه نظری در این کار دارد لازم است عرض کنم که نظر بشکایات زیادی که از مردم میرسید و از طرف آقایان نمایندگان هم مکرر در مجلس در این موضوع مذاکره شده اصل اصول مالیات گیری در این مملکت غلط است و باید اصلاح شود. اصول مالیات گیری و تحصیل داری غلط است و بالاخره باید يك روزی اصلاح شود چند سال است که این مذاکرات در جریان است. بعضی مالیاتهای دیگر از قبیل مالیات نحدید تریاک و مالیات تنباکو و توتون يك اصلاحی لازم دارد. يك قسمتهائی است که اصلاً باید موقوف شود و يك قسمتهائی است که محتاج باصلاح است. همینطور راجع بتشکیلات وزارت مالیه. در تشکیلات وزارت مالیه باید يك تجدید نظری بشود زیرا بالاخره این مملکت ناب اینرا ندارد که سالی هشت نه کرور بودجه وزارت مالیه را بدهد. و باید سعی کرد که این بودجه را تقلیل داد. بنده باور نمیگردم که از این بودجه میشود کسر کرد. و خیال میکردم تقلیل مخارج غیر مقدور است ولی چند روز قبل آمریکائی های وزارت مالیه آمدند در کمیسیون بودجه و گفتند از بودجه ارزاق دو کرور کسر کردیم و هیچ طور نشد. ما گفتیم حالا که اینطور بود چرا زودتر باین کار عمل نکردید و ادامه دادید. ما بعد از این که فهمیدیم میشود از يك قسمت هائی کسر کرد که هیچ جا بر نخورد از آنها یاد گرفتیم و در موقع عمل کسر خواهیم کرد. خود دولت هم این نظریه را پیدا کرده که يك تجدید نظری در بودجه ها بناید و آنها را

اصلاح کند. يك قسمت از فرمایشاتشان راجع باصلاح و توسعه راه شوسه و کارخانه آهن ذوب کفی و اینها بود که به عقیده بنده يك چیز هائی نبود که محتاج بجواب باشد. ولی بیکسمت را بنده عقیده دارم جواب داده شود و آن موضوع وزارت داخله است. فرمودند معنی وزارت داخله این نیست که فقط يك تغییر و تبدیل هائی در آن بشود. بنده هم تصدیق میکنم که عرض کردن اعضاء و اجزاء ادارات وزارتخانه جزو اصلاحات شمرده نمیشود و بعقیده بنده اصلاح وزارت داخله ده درجه از اصلاح وزارت عدلیه مشکل تر است. برای اینکه وزارت عدلیه تقریباً يك کار های مضبوط و محدودی دارد و حال آنکه کار وزارت داخله این طور نیست. اما اینکه وظایف مأمورین وزارت خارجه ما معلوم نیست. و وقتی که از دم دروازه بیرون میروند اگر از آنها بپرسند برای چکار میروید جواب نمیدهند لازم است عرض کنم که این ها يك مسائل نظری است نه بدیهی و عقیده بنده این است که حاکم مأمور سیاسی ما است در داخله حاکم هر محلی باید وضعیت آن محل را حفظ کند و ارتباط مردم را با دولت حاکم باید حفظ کند و همچنین روابط ادارات را با یکدیگر باید حفظ کند در موقعی که يك کمک هائی باید نسبت بادارات مختلفه بشود واسطه آن کمک ها و مساعدت حاکم هر محلی باید باشد و بالاخره باید طوری باشد که وقتی حاکم گفت من صلاح نمیدانم فلان رئیس اداره در فلان محل باشد بدولت پیشنهاد میکنند دولت باید نظریه او را قبول کند حاکم در هر محلی که هست باید اقتدار داشته باشد اما این ها مال حکامی است که از روی يك اساس انتخاب شده باشند نه این حکام. زیرا این حکام اسباب بد نامی وزارت داخله شده اند و علت اینکه این فکر پیدا شده که وزارت داخله لازم نیست برای وجود این حکام است. والا گمان نمیکنم که در هیچ جای دنیا گفته شود که وزارت داخله لازم نیست بهمان اندازه که ما وزارت خارجه لازم داریم

خیلی تعجب می‌کنم از فرمایشات آقای مدرس در این که امنیت در سراسر مملکت پیدا شده چطور این فرمایشات را میفرمایند و چرا ابراد میفرمایند از این که خلع سلاح می‌کنند...

مدرس - خلع سلاح عمومی نشده

باسائی - این بیان جنابعالی تقریباً انکار ضروریات است. وقتی که حاکم نظامی در ایل قشقائی دارد حکومت می‌کند چطور میفرمایند که خلع سلاح نشده؟ وقتی که حاکم در کتبد قابوس هست چطور تصور میفرمائید مردم آنحدود خلع سلاح نشده اند وقتی که ایل شاهسون رفته و بجایش نشسته است و اکراد آنحدود بجای خودشان محدود شده و نشسته اند چطور میفرمائید خلع سلاح نشده اند؟ این چه فرمایشی است که میفرمائید؟ بنده این فرمایش حضرت عالی را خیلی تعبیرات می‌توانم بکنم. ولی در مجلس شورای ملی که مرکز قوای ملی این مملکت است نباید يك بیاناتی بشود که مورد سوء استفاده اشخاص ماجراجو در مملکت واقع شود. و بالاخره بجای اینکه باید تقدیس کرد و نحسین کرد شاه مملکت را که باین اصلاحات و امور مهمه موفق شده اند و امنیت را در مملکت برقرار کرده نباید این حرفها را زد. بالاخره اگر يك اشخاصی میل دارند که اصول ملوک الطوائفی سابق و همان اصول و وضعیت فتووالیسیم سابق دو مرتبه تکرار و تجدید شود ما این را نمی‌خواهیم: ما آرزو مند هستیم که از این وضعیتی که از چهار پنج سال قبل برای این مملکت ایجاد شده استفاده ببریم و میل داریم همین روبه سنوالات اخیر را تعقیب کنیم و ناآنچائی که موافق آرزو و آمال مان است موفق شویم. و از این وضعیت که در سایه توجهات اعلیحضرت همايونی در این مملکت پیدا شده استفاده برده و ترقی کنیم و باید با ایشان مساعدت کنیم تا آنچائی که ما را بسرحد ترقی و تعالی برسانند و ما را از آن وضعیت گذشته کاملاً نجات دهند بنده را

خودشان میدانید و دیده اید که شخص مدیحه سرائی نیست ولی برای اولین دفعه عرض میکنم که بهلوی موجب سعادت این مملکت است بهلوی را خدا برانگیخته است برای اینکه این مملکت را ترقی بدهد. و هر کس مخالف رویه او باشد بنده او را خائن باین مملکت میدانم و بنده آنرا آلت اجنبی میشناسم شخصی که شب و روز تمام اوقات خودش را صرف مصالح و منافع این مملکت میکند در عین اینکه مسؤول نیست آتی فراغت ندارد و تمام اوقات را در فکر و عاشق اصلاحات است شخصی که ارزشش قدرت و عظمت مملکت است و میخواهد امنیت و عدالت در سراسر مملکت حکمفرما شود و بسط پیدا کند. خوب. حالا این شخص را باید تقدیس کرد. باید تقویت و تأیید کرد و باید برستش کرد و آن اشخاصی که يك چیزهایی بذکر مردم میدهند بنده آنها را بيك صفت دیگری میشناسم. خلاصه اینکه بنده همچو تصور می‌کردم که اگر آقای مدرس از وضعیت حاضر تعریف میکنند این بیانات را هم نمیفرمایند ولی متأسفانه فرمایشات ایشان بنده را مجبور کرد که این بیانات را عرض کنم. در صورتیکه این قضایا يك قضایای بدیهی و برعاصمه نمایندگان و قاطبه مردم روشن است و همه میدانند. يك چیز دیگری هم بنده میخواستم عرض کنم و آن این است که ایران طهران نیست. و ملت ایران تنها ملت طهران نیست. خواه و نخواه طهرانی خواه و نخواه ایران نیست بالاخره آن پیره زنی که الان آزادانه در جاده حرکت میکند و با آسایش و آرامش خیال عبور و مرور میکند و مورد تعرض هیچکس واقع نمیشود. او قلباً از این وضعیت شاگرد و راضی است. و از آن کسی که موجود این وضعیت است رضایت دارد و او را دوست دارد. حالا اگر آن کسی که در خیابان لاله زار قدم میزد و زندگانی نمجملی دارد و تا کنون هم با اصول هوچی‌گری زندگانی میکرد و این وضعیت حاضره منافی میل او است و میخواهد همان اصول سابق اعاده و تجدید شود و از همان وضعیت

سابق استفاده کند و وضعیت حاضره جلو استفاده او را مسدود کرده و دیگر نمی‌تواند با این اصول زندگانی کند و از این جهت دل‌تنگ است باشد اهمیتی ندارد، زیرا ما می‌خواهیم دل آن بیوه زن بد بخت را بدست آورده باشیم.

خلاصه اینکه خیلی چیزها است که باید گفته شود. منتهی حالا مناسب نمیدانم عرض کنم ولی در موقع خودش عرض خواهم کرد. بنده تقدیس میکنم يك دولتیرا که موفق شود از اینکه اسلحه را از دست نفرات ایرانی بگیرد

مدرس - نمیتواند

باسائی - الان همان بوبراحدی را که فرمودند بنده اطلاع دارم که قشون بآن حدود رفته و اطرافشان را گرفته و مشغول کار است. الان در اطراف کور کوه لرستان مدتها است که در پای کوه قشون خوابیده نمیدانم این‌ها را خبر ندارید یا خبر دارید و حق کشی می‌کنید!

لرها را اجنبی مسلح کرده بود و در کور کوه قشون ما با آنها در مهاجرت است بالاخره باید تصدیق کرد که قشون شما باین سهولت و آرا می مشغول تعقیب الوار بود و کی قشون شما در کتبد قابوس بود. الان شش ماه یکسال است که قشون به کتبد قابوس و آنحدود رفته شما که از این وضعیت خیر دارید و اوضاع مملکت را میدانید. ولی يك چیز را بنده فراموش کردم عرض کنم و این است که آقایان در اینجا کراراً صحبت از جمع و خرج مملکت کرده اند و آقای مدرس فرمودند باید ترتیب جمع و خرج مملکت درست شود زیرا هر وقت ما معطل باشیم خارجی سیاست خودش را اعمال می‌کند این فرمایش البته صحیح است ولی باید تصدیق کرد که اگر قشون پشت سر مالیه نبود دیناری نمیتوانست وصول کند چرا الان مالیه نمیتواند از بلوچستان مالیات بگیرد.

همان اندازه هم وزارت داخله برای ما لازم است. وزارت داخله که مسؤول انتظامات و تأمینات مملکتی است چطور لازم نیست. در هر حال يك اصلاحاتی در آنجا باید بشود و بنده هم معتقدم که وزارت داخله يك نواقصی دارد و باید از نقطه نظر انتخاب مأمورین و حکام و ولات يك اصلاحاتی بشود چنانچه يك وقت هم وزیر داخله وقت بلزوم اصلاحات قائل شده و يك لوابجی هم بمجلس آورد که در هر حال ما باید موافقت کنیم تا اصلاحاتی بشود. هم از نقطه نظر تقسیمات مملکتی و هم از نقطه نظر انتخاب مأمورین صالح باید يك اقداماتی بشود. اشکال بر سر مأمورینی است که از سابق بوده اند ولی بهر حال باید دانست که این مأمورین را کابینه فعلی که نیارده است و همینطور مأمورین وزارت خارجه را هم این کابینه انتخاب نکرده است. راجع بوزارت خارجه هم که فرمودید لازم است عرض کنم مأمور یا سفیری که بفلان نقطه میرود مثلاً سفیر واشنگتن که از این جا میرود این کسی نباید باشد که اگر من دم دروازه از او پرسیم بکجا میروی و برای چه کار میروی بمن بگوید که مثلاً می‌خواهم بفلان جا بروم و فلان سیاست را اعمال و اجرا کنم البته بنده هم تصدیق میکنم که يك سیاست عمیقی ندارند ولی تا اندازه که توانائی و قدرت ما اجازه میدهد تا آن جائی که قشون و وضعیت ما اجازه میدهد البته مأمورین ما در داخل و در خارج برای دولت و مملکت يك کارهایی می‌کنند

یکی از مسائلی که بیشتر در اطرافش مذاکره فرمودند مسئله توسعه تشکیلات امنیه است که فرمودند ما امنیه می‌خواهیم برای اینکه رعایا را آزاد بگذارند نه اینکه تفنگ بدهند دستشان که بروند خوک بزنند یا میمون زنی را رواج دهند حالا بهر عبارتی بود خلاصه فرمایشاتشان بهر حال همین بود که عرض کردم. بنده

مدرس - نمی خواهد .

باسائی - کی نمی خواهد؟ این چه فرمایشی است که میفرمائید؟ خوب حالا مأمورین مالیه را بفرستید بگیرند بفرستید جام باهو کلات، قصر قند و از اینجاها مالیات بگیرند چرا نمی فرستید . پس معلوم میشود قشون باید پشت سر مالیه باشد تا بتوانند مالیات وصول کنند بنده اطلاع دارم زکمن مالیات نمیدهد ولی حالا تلگراف از گنبد قابوس میرسد و از مالیه شکایت می شود و این است که قشون در آنجا است که میتواند مالیات وصول کند و به اهالی میگوید باید مطیع باشید . خلاصه در عین حال بنده تصدیق میکنم که یک تعدیاتی هم از طرف مأمورین دولت نسبت ب مردم میشود دولت و شاه مملکت هم تصدیق باین معنی دارد ولی در نتیجه اقداماتی که شاه در این در ساله بعمل آورده است و هیئت تقمیش به تقاط فرستاده برای رسیدگی باعمال نظامیها و امید واریم خرده خرده این مسئله هم برطرف شود . الان در خراسان هیچ تعدی نمیشود رئیس قشون کرمان مدنی که در آنجا بود دیدیم که تعدی میکرد و در نتیجه مخالفت و فشار بنده و جناب عالی او در آنجا ابقاء شده بود و ظلم می کرد ولی بعد خود اعلیحضرت که رسیدگی فرمودند او را برداشتند و از تعدیات جلو گیری کردند يك قسمت از این تعدیات بگردن بنده و جناب عالی است ولی حالا که آن موقع نیست و آن وضعیت بهم خورده دیگر می بینیم که دارد این جور تعدیات از بین میرود بالاخره باید تصدیق کرد که وضعیت کنونی مملکت هیچ قابل مقایسه با وضعیت دوره احمدی نیست و دولت باید سعی بکنند که اگر کم و بیش باز اسلحه در دست ایلات باقی است همه را بگیرند و بدون اجازه دولت نباید هیچ اسلحه در دست فردی از افراد مملکت باقی باشد خواه آن فرد دهائی باشد خواه کوهستانی خواه ایلاتی خواه شهری . ما دولت و شاه مملکت را باید از این قسمت بخصوص تقدیس کنیم و بنده از نظر سیاست خاجی هیچ

صلاح نمیدانم که این اظهاراتی که شما فرمودید اینجا گفته شود .

مدرس - آقا توضیح باید بدهم . اظهارات بنده را سوء تعبیر کرده اند و باید رفع کنیم .

رئیس - راجع بچه قسمت است؟

مدرس - راجع بقسمت اخیر .

رئیس - مختصر بفرمائید

مدرس - بنده هم مختصر بقدریکه ایشان گفتند عرض میکنم و باقی مسائل را متعرض نمیشوم بجهت اینکه گوش ندادند که بنده چه گفتم اما مسئله اسلحه را که فرمودند آنچه را که تعبیر کردند برخلاف آنچه بود که بنده گفتم . خلع اسلحه عمومی يك مسئله نظری است و مسئله نظری است و مسئله نظری در مملکتی که حکومتش ملی است و مجلس شورای ملی حاکم است باید در مجلس مطرح شود . بنده عقیده ام این است هر کاری خوب باید باشد باید مجلس شورای ملی آنرا تصویب کند . حالا هم عقیده ام این است که هر کاری باید بشود باید برای مجلس باشد اعم از اینکه خوب شود یا بد زیرا حکومت ما حکومت ملی است .

عمادی - دوره سوم مجلس رأی داد

باسائی - مجلس اجازه بدهد که تفنگ بگیرند؟

مدرس - بنده تمام آنهایی را که ایشان گفتند تکذیب می کنم و نظام را هم تقدیس میکنم ولی خلع اسلحه را عقیده ام این است که باید برای مجلس باشد و غیر از این هر کار خوبی هم که باشد بنده تکذیب می کنم .

رئیس - گمان میکنم توضیح کافی باشد؟

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

دشتی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم .

رئیس - بفرمائید

دشتی - در دو موقع است که مجلس شورای ملی

رئیس - بعد از تکلیف این کار ورأی گرفتن قرائت خواهد شد پیشنهادی رسیده است قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که رأی اعتماد نسبت بدولت گرفته شود عبدالحسین کرمانی

وزیر مالیه - دولت هم همین تقاضا را دارد .

رئیس - تقاضای رأی باورقه نشده است ...

رفیع - بنده پیشنهاد میکنم باورقه رأی گرفته شود . خطیبی - بنده هم تقاضا میکنم .

رئیس - رأی گرفته می شود با اوراق آقابائی که اظهار اعتماد می کنند ورقه سفید میدهند .

(در اینموقع اخذ و استخراج آراء بعمل آمده بود و سه ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حضار صد و یازده و سه رأی تصویب شد

اسامی رأی دهندگان - آقابان : حاج علی اکبر امین

خواجوی - باسائی - اعتبار - نجویی - افشار - وزیری

نظامی - میرزا عبدالباقی - عمادی - مرتضی قلیخان بیات

محمد آخوند - بامداد - خوئی - ملک ابرج پور تیمور -

موقر - دولتشاهی - حاج غلامحسین ملک - محمدتقی خان

اسعد - شریعت زاده - افخمی - ابراهیمی - جلالی -

ارباب کیخسرو - حاج آقا رضا رفیع - اسدی - روحی - زوار

امیر اسدالله خان عامری - سهراب خان ساکنیان - اسکندر

خان مقدم - نگهبان - حاج آقا حسین زنجانی - امیر حسین خان

ایلخان - بنی سلیمان - آقاعلی زارع - عباس میرزا - مفتی - دکتر -

رفیع خان امین - ملک آرائی - محمدولی میرزا - اسکندری

میرممتاز - حقنویس - سید جواد محقق - فرهنگ - جهانشاهی

ذوالقدر - سلطان محمد خان عامری - افسر - دکتر لقمان

طاهری - آقا زاده سبزواری - فهیمی - سید کاظم بزدی

صالحی - سید حسین آقابان - وکیل طباطبائی - حاج میرزا مرتضی

خطیبی - سید یعقوب - میرزا هاشم آشتیانی - میرزا

حسن خان وثوق - امام جمعه اهر - جوانشیر - میرزا

میتواند در قضایای مملکتی وارد بحث شود و مفصلاً مذاکره کند و در جزئیات مسائل وارد شود یکی در موقع بودجه است و یکی هم در موقع برگرام دولت . بنده نظر مخالفی نسبت باین قضیه ندارم و جزو موافقین هستم ولی معتقدم اعم از اینکه مخالفی باشد و بخواد در مجلس صحبت کند یا موافقی باشد که بخواد مسائل عمومی را تذکر بدهد و بگوش دولت رساند باید حرف خودش را بزند و از این که فوری گفته شود مذاکرات کافی است بنده این را خوب نمیدانم زیرا تکلیف دولت باید معلوم شود و بالاخره دولت باید افکار عمومی و کلارا بداند که نسبت بخودش چیست و برای دولت هم ضرر ندارد این مطالبی که گفته میشود گوش بدهد و به بینه مخالفینش چه میگویند و موافقینش چه تذکراتی میدهند و کاملاً از قضایا مسبوق شود زیرا هر کدام از آقابان مطالبی دارند که باید مورد بحث واقع شود آقابان چه اصراری دارند از این که فوری بگویند مذاکرات کافی است الحمد لله دولت يك دولت منزلی نیست که ما بخواهیم با کفایت مذاکرات و اصول ماست مالی او را حفظ کنیم و اگر بنا شود حالا مذاکرات نشود نتیجه اش همان همان نطق های قبل از دستور میشود که وقت مجلس را اشغال میکنند و فایده هم برای آقابان ندارد آقابان و کلا باید نظریات خودشان را بگویند و بعد رأی بدهند بنده عقیده ندارم که گفته شود مذاکرات کافی است و اگر حالا هم وقت نیست خوشت برای عصر یا برای فردا جلسه تشکیل شود و مذاکرات بعمل بیاید

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقابان موافقین

قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است .

آقا سید یعقوب - يك پیشنهادی عرض کرده ام اگر ممکن است توضیح بدهم .

عدلیه معرفی می کنم و ضمناً می خواهم از موقع استفاده کنم برای جواب سئوالی که ده پانزده روز قبل در مجلس شده بود در موضوع رئیس مالیه شیروان این مسئله را محض اینکه بنده اطلاع پیدا کردم به دو نفر از مأمورین خودمان که یکی مدعی العموم مرکز بوده است و یکی مستنطق که فرستاده شده بودند برای تحقیق یک قضیه دیگری که چند ماه پیش از طرف یک رئیس گمرکی اتفاق افتاده بود و شخصی را سرش را بریده بودند . بعد وقتی که این اطلاع رسید به آنجا تلگراف کردم و سه روز قبل بمن اطلاع رسید که رفته اند و آن امین مالیه را استنطاق کرده اند مقصرین را محکوم و توقیف کرده اند و آنها هم تلگرافاً استیناف داده اند ولی البته محکمه کار خودش را خواهد کرد .

بعضی از نمایندگان - احسنت

رئیس الوزراء - یک مذاکرانی پیش آمده است راجع به اشل استخدام . تقاضا میکنم که این مسئله در کمیسیون بودجه یک نظر ثانوی بشود .

رئیس - جلسه را میفرمائید ختم کنیم ؟ جلسه آنیه

روز پنجشنبه دستور اولاً لایحه اضافات فواید عامه .

ثانیاً اضافات وزارت خارجه .

(مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

ابراهیم آشتیانی - ایقوانی - طباطبائی دیبا - میرزا عبدالحسین ثقة الاسلامی - ملک مدنی - بدر - عراقی - میرزا عبدالله خان وثوق - غلامحسین میرزا مسعود - شیخ الاسلام ملایری - شیروانی - ثقة الاسلام بروجردي - دادگر - دکتر سنک - عصر انقلاب - آوانس خان مساعد - احتشام زاده - کی استوان - کازرونی - محمود رضا - امام جمعه شیراز - مهدوی - حاج میرزا حبیب الله امین فومنی - میرزا حسن آیه الله زاده

رئیس الوزراء - آقای رهنما را بمعاونت خود در خدمات هیئت وزراء معرفی میکنم و آقای صمصام الملك را هم بمعاونت خود در وزارت فواید عامه معرفی میکنم

مدرس - سابقه قانونی ندارد

وزیر مالیه - اگر آقایان اجازه بدهند گرچه دیر وقت است ولی آقایان همه مسبقند که در ماه اردیبهشت و پانزده روزی که از خرداد گذشته اجزاء ادارات حقوق نگرفته اند و خیلی وضعیت اجزاء جزء و مخصوصاً نظمی و اینها سخت است باین ملاحظه بنده لایحه دو دوازدهم را تقدیم میکنم .

رئیس - جلسه آنیه

وزیر عدلیه - بنده هم آقای کاظمی را بمعاونت وزارت